



چرایی تغییرات مدیریتی اخیر
در گفت و گو با استاندار مازندران
طاهاهی: جایه جایی ها
انتخاب خود استانداری بود

صفحه ۲



در گفت و گو با
داور جشنواره تئاتر معلولان
منطقه خزر مطرح شد
به ما می گفتند دیوانه!

صفحه ۱۱



ورزش ساری؛
پراز استعداد،
دور از حمایت

صفحه ۸

آیا اتفاق زمستان ۸۶ بار دیگر تکرار می شود؟ سوخت رسانی زمستانی



وارش بند آمد!

به بهانه توقیف روزنامه وارش
دغدغه معیشت، نه محتوا!

صفحه ۴

وارش به مثابه کیهان
گذشته وارشی
را از یاد نبریم

صفحه ۵

همه رکوردهای
احمدی نژاد

پرکارترین
سالهای
پاستور
همین
۸ سال بود؟



صفحه ۱۷

۱۸ آذر کندلوس



تصاویری از طبیعت پاییزی روستای کندلوس کجور - ۱۸ آذر ۹۱
عکس از: محمد حسین ملایی کندلوسی



یک انتخاب، دو جریان

در خانه مطبوعات چه نفعی وجود دارد؟

با وجود ششصد و پنجاه عضو خانه مطبوعات استان مازندران، کمتر از پنجاه نفر در مجمع عادی (نوبت نخست) شرکت کردند؛ حال آنکه شرکت هر تعداد از اعضا در مجمع عمومی فوق العاده (نوبت دوم، شنبه ۲۵ آذرماه) به مجمع رسمیت می بخشد. همیشه مشارکت پایین به نفع جریان حاکم است و منتقدان از ضعف مشارکت ضرر می بینند، به نظر می رسد این فرضیه در انتخابات هیات مدیره خانه مطبوعات مازندران نیز صادق باشد.



علی رغم آن که در ابتدا استقبال خوبی از طرف اهالی قلم برای عضویت در هیات مدیره خانه مطبوعات مازندران نشد اما بین ۱۹ نفری که تایید صلاحیت شدند، رقابت نسبتاً سختی در پیش است، تا جایی که اعضای فعلی خانه مطبوعات با احساس خطر از موقعیت خویش دست به یاریگری گسترده زدند و حتی با تشکیل نشست در هتل گلزار چالوس تلاش نمودند با خبرنگاران غرب استان به ائتلاف برسند که ظاهراً با دست پر برگشتند!

مدیرعامل فعلی خانه مطبوعات که به دلیل نداشتن مدرک تحصیلی کارشناسی نتوانسته در انتخابات شرکت کند، می کوشد با حفظ ترکیب فعلی همچنان مدیرعامل باقی بماند، چرا که اساسنامه این فرصت را به او می دهد که به عنوان مدیرعامل خارج از ترکیب هیات مدیره بار دیگر برگزیده شود.

البته نمی توان اقدام رستم دهقان را غیرقانونی خواند، اما بی حواشی نخواهد بود، چراکه تلاش برای حفظ قدرت بی هزینه نیست و او باید پاسخگوی چرایی اقدامش به مجمع عمومی باشد.

برگزاری نشست پنجشنبه چالوس هم بی حاشیه نبود. نشستی که با همکاری و فراخوان پیامکی ساسان شیخی - مشاور رسانه ای فرماندار چالوس - و نماینده خانه در غرب استان همراه با ضیافت ناهار و اهدای کادو تشکیل شد.

در این نشست که علاوه بر دهقان، جابر معافی سرپرست خبرگزاری فارس مازندران، سلطانی مدیرمسئول هفته نامه جویبار و درواری مدیرمسئول پیک شمال هم حضور داشتند برهمراهی خبرنگاران غرب با "ائتلاف جریان دهقان" تاکید شد. سهمیه غرب از این ائتلاف اما یک نفر آن هم احمد فقیه عبداللهی است که البته مخالفان سرسختی در غرب استان دارد.

گله خبرنگاران سایر شهرها از دهقان و گروهش این است که چطور برای شرکت خبرنگاران غربی اتوبوس مهیا می کنند و ضیافت برپا، اما برای خبرنگاران مرکزی و شرقی قدمی نمی گیرند.

ادامه در صفحه ۳



مدیرمسئول روزنامه دیار سبز

احضار شدم، بازداشت نشدم

یادداشت میهمان



● ایرج نیاز آذری
روزنامه نگار

به بهانه انتخابات
مجمع عمومی
خانه مطبوعات
آزمونی تازه برای
صنف مطبوعات

فعلان مطبوعاتی که در شمار متکثرترین صنف به شمر می روند، علی رغم تنوع سلائق و اختلافات سیاسی بازم نیازها و مطالبات مشترک یا نزدیک به هم دارند که در غالب صنف سازماندهی می شود. نهاد صنفی مطبوعات از آن جهت اهمیت دارد که می تواند نیاز متفرق و مشترک یکایک اعضا را بررسی، ساماندهی و پیگیری کند. خوشبختانه در سالهای اخیر خانه مطبوعات مازندران با مشارکت اصحاب قلم و حمایت استاندار فرهنگی مازندران، معاون سیاسی امنیتی اهل رسانه اش و تلاش های مجدانه مدیرکل فرهیخته فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران اقدامات شایسته ای انجام داد که در خور قدردانی است. در دوره اخیر تعامل و همکاری خوب مدیریت ارشاد مازندران با خانه مطبوعات پشتوانه مناسبی برای پویایی و بالندگی رسانه های مازندران بوده است و اعضای خانه به حمایت های ایشان و همکاری اعضای قبلی برای ادامه کار نیازمندند. صبح شنبه ۲۵ آذرماه مجمع عمومی خانه مطبوعات با هدف تصویب اساسنامه جدید و انتخابات هیات مدیره دور پنجم در مجتمع فرهنگی ارشاد استان برگزار می شود. بدون شک مشارکت گسترده قریب به ششصد و پنجاه عضو خانه در این مجمع نمادی از همدلی و حداکثر سازی منافع صنفی خواهد بود، چه آنکه تشکل صنفی مطبوعات در آستانه آزمونی جدید قرار دارد. خانه مطبوعات خانه همدلی و مرکز پشتیبانی اهالی رسانه خواهد بود. تمامی اصحاب رسانه با حضور حداکثری در انتخابات هیات مدیره به تشکیل هیات مدیره ای کارآمد و تاثیرگذار در استان کمک تا مطالبات صنفی خود را تامین کنند. کمک به تقویت رسانه های مازندران، توانمندسازی مطبوعات، تسریع در تامین مطالبات معیشتی، توجه ویژه به منزلت و جایگاه خبرنگاران، حمایت از اعضا بهنگام مشکلات، ارتقای کیفیت مطبوعات محلی، ساماندهی و رتبه بندی خبرنگاران و برگزاری دوره های آموزشی از جمله برنامه های دور جدید هیات مدیره می تواند باشد. رقابت ها، تضاد سیاسی، تداخل در منافع و اختلاف سلائق که امری طبیعی در مطبوعات است، نباید موجب دوری اصحاب رسانه از یکدیگر شود و خانه مطبوعات بهترین پایگاه برای تعمیق همدلی، برادری و کمک به یکدیگر در مشکلات و شرایط سخت است. از این همین فرصت استفاده می کنم و ضمن تاکید بر محتوای یادداشت قبلی معتقدم همگان باید کمک کنیم تا مدیریت روزنامه وارث بتواند مشکلات پیش آمده را مرتفع نموده و بار دیگر به عرصه مطبوعات برگردد. مدیریت وارث در این چند روز هزیننه های مادی و معنوی فراوانی به خاطر اشتباهی سهوی پرداخت نمود و نباید بیش از این تحت فشار قرارگیرد. متأسفانه در روزهای اخیر به خاطر مسئله روزنامه وارث برخی افراد به دنبال تسویه حساب های سیاسی و شخصی با مدیریت فرهنگ و ارشاد اسلامی استان هستند که جای نگرانی فراوان دارد. به اعتقاد این قلم مدیریت ارشاد استان در کنار برخی کمبودها و تنگناها از عملکرد مثبتی برخوردار است و باید کمک نماییم تا به شرایط مناسب تری برسد.

شد تا کار سریع تر انجام شودوی در بخش دیگر این مصاحبه، ادامه داد: سیاست استانداری در سال های گذشته همواره تعامل و گفت و گو و گسترش فضای نقد و تحمل نقد در استان بوده است. مدیر روابط عمومی و امور بین الملل استانداری مازندران با اشاره به اینکه تاکید استاندار مازندران و معاون سیاسی استانداری مازندران همواره بر افزایش آستانه تحمل و بردباری در مقابل نقد بوده است و نه توهین، خاطر نشان کرد: هیچ انسان خردمندی توهین را نمی پذیرد. وی با بیان اینکه فضای عمومی رسانه های استان، سالم بوده و دغدغه توسعه استان را دارند، اظهار داشت: رسانه ها واقعا با ما همکاری می کنند و برای اصلاح مسیر و کمک به شتاب بخشی به چرخ های توسعه، نگاه همدلانه و مشتاقانه دارند. رستمعلی تصریح کرد: هم رسانه ها موقعیت و شرایط مدیران را در میدان عملیاتی درک کرده و هم مدیران رسالت خطیر رسانه ها را بیش از پیش درک کنند تا در فضای تفاهم کار پیش رود. وی با بیان اینکه بسیاری از سوء تفاهم ها و برداشت های نادرست را می توان در فضای دوستانه حل کرد، گفت: اراده استان و اراده دولت این نیست و نباید وارد این فضا شویم. رستمعلی با اشاره به اینکه شاهد هستید که فضای استان اینگونه نبوده که سوء تفاهم جای خود را به گفت و گو بدهد، افزود: معاون سیاسی امنیتی استاندار مازندران هم بخشنامه ای را به همه دستگاه های اداری، بخشدارها، فرماندارها و... صادر کرد که بر اساس این بخشنامه هرگونه اتفاق مشابهی که مربوط به مسائل حقوقی و سوء تفاهم های این چنینی باشد، قبل از آنکه از کانال معاون سیاسی و یا مسئول روابط عمومی پیگیری شود، به هیچ واحد دیگری ارجاع داده نشود.

احضار مجدد مطرح بود

روز دوشنبه مدیرمسئول روزنامه دیار سبز در تماسی با مازندنومه اظهار داشت: موضوع احضار مجدد من مطرح بوده و مساله بازداشت مطرح نبوده است. مدیرمسئول روزنامه دیار سبز یادآور شد: شکایت فرماندار در مرحله بازپرسی بوده و احضار مجدد اینجانب به دادسرا در دستور کار بوده و پرونده هنوز از نظر محتوایی بررسی نشده است تا موضوع بازداشت و محکومیت اینجانب مطرح گردد که برخی از دوستان مان در سایتها به اشتباه و فارغ از بحث حقوقی موضوع احضار را با بازداشت یکی دانسته اند. این کارشناس ارشد حقوق بین الملل گفت: این شکایت که مورد استیصال مان نیز قرار گرفته بود متأسفانه با وساطت دوستان به انصراف خاتمه یافت. وی اضافه کرد: از عنایت و دقت نظر حجت الاسلام جعفری، دادستان مرکز استان و ملک زاده بازپرس شعبه سوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب قدردانی می گردد. گفتنی است در ماه های اخیر شکایت علیه خبرنگاران و مدیران مسئول سایت ها و روزنامه های استان و کشور فزونی گرفت و هفته پیش نیز یکی از خبرنگاران فریدون کناری با شکایت یک بانک، شبی را در زندان به سر برد.

مدیرمسئول روزنامه دیار سبز چندی پیش شکایتی را علیه فرماندار شهرستان بهشهر به دادگاه کارکنان دولت ارائه کرده بود. بنا بر این گزارش، با وساطت استاندار مازندران و معاون سیاسی امنیتی استانداری مازندران، رضا حسن زاده اشرفی - مدیرمسئول روزنامه دیار سبز - از شکایت خود علیه فرماندار بهشهر انصراف داد اما دایره حقوقی استانداری مازندران شکایتی را علیه وی اقامه کرد. دو تن از ماموران نیروی انتظامی برای بازداشت مدیرمسئول روزنامه دیار سبز در دفتر مرکزی این روزنامه در ساری حضور یافتند و حسن زاده اشرفی را با خود بردند.

حسن زاده: دیر مطلع شدم

رضا حسن زاده اظهار داشت: از فرماندار بهشهر شکایتی را به دادسرای کارکنان دولت ارائه کرده بودم. مدیرمسئول روزنامه دیار سبز ادامه داد: پس از آن فرماندار بهشهر در شعبه سه بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان ساری شکایتی را علیه من اقامه کرد. حسن زاده با اشاره به اینکه احضاریه ای به من ابلاغ شد که مدیر دفتر روزنامه، این مسئله را دیر به اطلاع من رساند، افزود: روز پنجشنبه ۱۶ آذر متوجه ابلاغ این احضاریه شدم که بنا داشتم امروز به بازپرسی مراجعه کنم. وی تصریح کرد: چون به علت عدم اطلاع از صدور احضاریه، در زمان مقرر به بازپرسی مراجعه نکردم، تصور دادسرا بر این بود که از حکم قانون سرپیچی کرده ام در صورتی که اصلا این گونه نبود. مدیرمسئول روزنامه دیار سبز یادآور شد: شکایت فرماندار در مرحله بازپرسی بوده و موضوع امروز هم احضار مجدد این جانب به دادسرا بود و پرونده هنوز از نظر محتوایی بررسی نشده است. وی با بیان اینکه با وساطت طاهایی استاندار مازندران، ابراهیمی معاون سیاسی امنیتی استانداری مازندران و حجت الاسلام ابراهیمی مدیرکل ارشاد مازندران، از شکایت خود از فرماندار بهشهر انصراف داده بودم، اضافه کرد: از عنایت و دقت نظر حجت الاسلام جعفری دادستان مرکز استان و ملک زاده بازپرس شعبه سوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب قدردانی می کنم.

رستمعلی: فرماندار شکایت خود را پس گرفت

کمال رستمعلی اظهار داشت: با پیگیری ویژه هادی ابراهیمی به عنوان رئیس شورای اطلاع رسانی استان، فرماندار بهشهر در کوتاه ترین زمان، شکایت خود را از مدیرمسئول روزنامه دیار سبز پس گرفت. وی با اشاره به اینکه پیش از این هم مدیرمسئول روزنامه دیار سبز از شکایت خود از فرماندار بهشهر منصرف شده بود، افزود: واحد حقوقی استانداری هم نامه نگاری نهایی برای رفع قرار بازداشت را انجام داد. رستمعلی متذکر شد: این نامه هم به صورت دستی و هم از طریق نمایر ارسال

جرایی تغییرات مدیریتی اخیر در گفت و گو با استاندار مازندران

طاهایی: جابه جایی ها انتخاب خود استانداری بود

احساس کردیم که وی هم کمی از ستاد برود و در صف قرار گیرد چون روستاها را خوب می شناسد و تمام دهیاران و شوراهای اسلامی روستاها با او در ارتباط هستند و به همین دلیل وی را به جای رجبی در میاندرد برگزیدیم. طبیعی است که ما همیشه بر تعامل مدیران و نمایندگان مجلس تاکید داشتیم و قطعا تقابل به سود جامعه نیست و تعامل به نفع مردم، انقلاب و جامعه است و این کار هم در راستای سیاست های تعامل است و بحث دیگری مد نظر نبود. انتخاب هم انتخاب خود استانداری بوده است.



این تغییرات در آستانه انتخابات مورد انتقاد است. در استان؟ در کل کشور چنین است. این موضوع را رئیس جمهوری پاسخ داده است.

کلتوم فلاحی: پس از تغییرات گسترده محمود احمدی نژاد در دولت، این بار سه تغییر را در سطح فرمانداری ها و اداره کل روستایی استانداری مازندران شاهد بودیم.

استاندار مازندران در یک حرکت چرخشی مدیرکل روستایی استانداری را به میاندرد، فرماندار میاندرد را به نکا و فرماندار نکا را به استانداری فرستاد. با سید علی اکبر طاهایی در این زمینه گفت و گو کردیم:

تغییر فرمانداران چه اندازه می تواند با طرح تحقیق و تفحص نمایندگان مجلس مرتبط باشد؟

طاهایی: این یک کار جاری در استانداری بوده است. فرماندار نکا مدتی، خودش متقاضی جابه جایی بود و وقتی خبر را شنید، خیلی سپاسگزار کرد و متأسفانه امروز متوجه شدم که دچار ناراحتی قلبی است. رجبی را هم که برای فرمانداری انتخاب کردیم، در میاندرد زحمت کشید و یک فرمانداری نوپا ایجاد کرد و او هم انتظار ارتقا داشت.

زارعی هم که به سمت فرماندار میاندرد منصوب شد قبلا بخشدار بود و

آمدند و رفتند و دریغ از یک آجر!

شعبان وفایی نژاد

آقای قره مدیر کل وقت تربیت بدنی گفت: ان شالله در مراسم افتتاحیه این جمع شرکت داشته باشیم که زنده یاد دامادی در پاسخ گفت: یعنی شما تا آن زمان مدیر کل باقی خواهید ماند؟ حال باید نوشت پس از قره ۵ مدیر کل دیگر هم آمدند، دامادی هم رفت مرحوم سلیم بهرامی هم رفت، بهروش و زنده یاد داراب نیز به رحمت ایزدی پیوستند و ۵ استاندار دیگر نیز آمدند و رفتند، ۱۰ شهردار ساری و بسیاری از روسای تربیت بدنی مرکز استان و فرمانداران نیز تعویض شدند، اما دریغ از حتی یک آجر که روی آجر دیگری برای احداث سالن سرپوشیده دوازده هزار نفری گذاشته شود!

استان، ۲۵ سال است قول احداث مجتمع بزرگ ورزشی، ۳۲ سال است قول احداث مجتمع بزرگ ورزشی کارگران مازندران و ۱۷ سال است قول احداث استخر سرپوشیده برای دانش آموزان ساری داده شده و این قول ها تنها در حد حرف بوده و عملی در آن دیده نشده است.

در روزهای آغازین فعالیت مرحوم عزت الله دامادی (۲۰ سال قبل) با حضور رئیس سازمان وقت تربیت بدنی، استاندار مازندران و مسئولان استان و شهرستان طی مراسمی کلنگی به همین مناسبت در زمین مرحوم داراب بر زمین زده شد.

در خبرها داشتیم با تلاش و پیگیری سید هادی حسینی - نماینده مردم قائم شهر در مجلس شورای اسلامی و عضو فراکسیون ورزشی - عملیات بازسازی چشم استادبوم شهید وطنی این شهر با شتابی مناسب به جریان افتاده است.

این پروژه با وعده مدیر کل ورزش و جوانان مازندران با جدیت بیشتری در دستور کار قرار گرفت و امید بر این داریم با پیگیری این نماینده فعال ورزشی، فکری هم به حال بازسازی و احداث پیست دو و میدانی ورزشگاه شهید متقی اتخاذ شود، چرا که حداقل ۲۰ سال است قول بازسازی این استادبوم، ۳۰ سال است قول احداث سالن ۱۲ هزار نفری، ۱۵ سال است قول احداث خانه کشتی مرکز

گزارش تور انتخاباتی خانه مطبوعاتی ها در غرب مازندران ما با این چیزا رای نمی آریم!



کاندیداهایی است که در این فضا شرایط برای اعلام برنامه های شان فراهم نشد و انتظار ما این بود تا دوستان شرایط را برای حضور دیگر کاندیداهای محترم نیز فراهم می کردند. شمس تصریح کرد: افرادی که در این لیست سلیقه ای دیده می شوند همگی انسان های شایسته و تلاشگر و خوبی هستند، اما ما بحث شخصی نداریم، بحث ما این است که چرا وقتی بحث انتخابات شد به غرب استان آمدند؟ چرا که برخی از اعضای هیات مدیره را تاکنون ندیده بودیم و چرا ادعاهایی که داشتند را در چندسال گذشته عملی نکردند. این روزنامه نگار با بیان این که عده ای از کاندیداها اسم برخی اصحاب صاحب مسوولیت را در استان اعلام کردند و گفتند که این مسوولان از آنها درخواست ثبت نام داشتند سوء استفاده است، افزود: ما منتظریم که این بحث در استان مورد بررسی قرار گیرد. شمس تاکید کرد: آنچه مسلم است با تمام قوا برای حضور حداکثری در انتخابات تلاش می کنیم و مطمئناً که انتخابات در فضایی پاک و سالم و آزاد برگزار می شود اما شیوه برخورد این چینی شایسته خبرنگاران و اهالی رسانه نبود و امیدواریم مسوولان با رفتار سلیقه ای این چینی برخورد کنند.

صورت مساله را پاک نکنیم

زهرا راه گل دیگر خبرنگار حاضر در جمع در واکنش به سخنان خانم سلطانی -مدیرمسوول نشریه جویبار - که از عدم آموزش خبرنگاران و اشتباهات آنها گفته بود و برگزاری کلاس آموزشی را لازم دانست، اظهار داشت: "هیچ خبرنگاری بدون اشتباه نیست، مشکل اینجاست اگر خبرنگار اشتباه می کند، پس نقش ویراستار، سردبیر و مدیرمسوول چیست؟ چرا عمده نشریات ما اخبار دریافتی خبرنگاران را بدون کنترل و حتی کوچک ترین ویرایشی چاپ می کنند و در صورت بروز مشکل فقط خبرنگار را مسوول می دانند؟ وی گفت: اینکه بگوییم باید کلاس آموزشی برای خبرنگار بگذاریم فقط صورت مساله را پاک کردیم، چرخه انتشار یک نشریه باید با رعایت وظیفه از سوی همه دست اندرکاران آن رعایت شود.

از نبود حمایت خانه مطبوعات از خبرنگاران از آن به عنوان دستاویزی برای دفاع از مسوولان پول ندادن به خبرنگاران یاد کرد. وی با اشاره به اینکه این خانه و نمایندگی آن تبدیل به تیمی شخصی شده که اگر در آن تیم نبودی از حمایت آن برخوردار نیستی خواستار بازبینی در روند حمایتی این تشکل شد.

چطور در آینده می خواهید از حقوق مطبوعات دفاع کنید؟!

اعظم محسن زاده دیگر خبرنگار نوشهری نیز این سوال را طرح کرد که در صورتی که کاندیدای غرب استانی بتواند رای بیارود و به هیئت مدیره استان راه پیدا کند وضعیت نمایندگی در غرب استان چگونه خواهد بود؟ اما پاسخ واضحی دریافت نکرد. وی همچنین با طنز و کنایه به آقای فقیه تنها کاندیدای غرب استانی که علت عدم حضورش را از گروه مدیران مسوول، رقابت



سخت در این گروه عنوان کرد و باعث حضورش در گروه روزنامه نگاران شد، گفت: "آقای فقیه شما که در ابتدای کار از رقابت می ترسید چطور در آینده می خواهید از حقوق خبرنگاران و مطبوعات غرب استان در مرکز مازندران دفاع کنید؟!"

وقتی بحث انتخابات شد، به غرب استان آمدید؟

بابک شمس -دیگر خبرنگار حاضر در جلسه - گفت: "انتخابات فضای تصمیم گیری با اندیشه، شعور و تدبیری آزاد است، اینکه هیچ گروه خاص و هیچ جریانی نباید برای انتخاباتی همچون عرصه فرهنگ و رسانه نظرات و سلاقی خود را تحمیل کنند. وی افزود: برپایی نشست های این چینی نادیده گرفتن حقوق و شایستگی های دیگر

است در حالی که این تعداد در شرق استان روی کاغذ ۶۰۰ نفره است و با یک تناسب بندی ساده متوجه خواهید شد که هیچگاه از غرب استان در شورای مرکزی نماینده نخواهد شد و حضور یک فرد در لیست ائتلافی پیشنهادی آقایان تنها جنبه مشروعیت بخشی دارد و این بنده خدا هم فقط از طریق دوستانش در حال هزینه شدن است. وی پیشنهاد داد: باید ساختار انتخابات با برگزاری انتخابات منطقه ای در غرب و شرق و مرکز استان صورت پذیرد تا شاهد پویایی شورای مرکزی خانه بود و همه استان باید به تناسب در شورا حضور داشته باشند تا قابلیت های اجرایی به خود بگیرد.

هنوز کارت به دست ما نرسیده!

ملاحسینی یکی دیگر از خبرنگاران فعال در شهرستان تنکابن گفت: "ائتلاف عنوان شده در



لیست حمایتی و کاندیداهای پیشنهادی از سوی خبرنگاران غرب مازندران جنبه قانونی ندارد و گروهی خاص نمی توانند برای کل خبرنگاران لیست ائتلافی طرح کنند!" این خبرنگار همچنین بیان داشت: "در کنار کارهای خوبی که خانه مطبوعات انجام داده انتقاداتی به روند اجرایی این خانه وجود دارد که کم هم نیست!" وی گفت: "کارت خانه مطبوعات ما ظاهراً صادر شده اما هنوز که به دست مان نرسیده، سال گذشته هم یک ماه پس از انقضای کارت، به ما تحویل داده شده که جای بسی شگفتی است!"

خانه و نمایندگی آن تبدیل به تیمی شخصی شده؛ خانم کراری از دیگر خبرنگاران حاضر در جلسه با انتقاد

روز پنجشنبه هتل مجلل گلزار چالوس میزبان مهمانان ویژه ای بود که در آستانه انتخابات خانه مطبوعات مازندران قریب به ۲۰۰ کیلومتر مسافت زمینی را پیمودند تا در یک نشست انتخاباتی شرکت کنند.

همایش خبرنگاران غرب مازندران فرصتی را فراهم آورد تا رییس خانه مطبوعات به همراه برخی کاندیدای انتخابات این خانه حضور یابند و آخرین حمایت های خود را کمتر از ۴۸ ساعت مانده به انتخابات روز شنبه اعلام دارند. ساعت آغازین جلسه که طبق ارسال یک پیامک دعوت نامه با خطاب قرار دادن خبرنگاران با عنوان "خوبان" از قرار معلوم ۱۰ صبح را اعلام شده بود، به دلایل مختلف تا رسیدن آقای رییس و هیات همراه با یکی دو ساعتی تاخیر شروع شد. همانند بسیاری جلسات این چینی، ابتدا با نطق مسوول پیگیری نمایندگی خانه مطبوعات غرب مازندران و عرض خیرمقدم های مسوول و زیبا و البته ارائه گزارش کاری این خانه در غرب استان آغاز شد. سپس رستم دهقان که خود را بیش از آنکه یک چهره مطبوعاتی معرفی کند با عنوان سرهنگ بازنشسته نظامی و با نگاه فرهنگی در رزمگاه تهاجم فرهنگی به ایراد سخن پرداخت. وی با اشاره به عدم کاندیدا شدنش در انتخابات اخیر گفت: "بعضی ها شایعه کردند که مدرک فوق دیپلم من مانع از کاندیدا شدنم شده که بایستی عنوان کنم که من با سهمیه جانبازی خود دارای مدرک کارشناسی معادل هستم پس دلایل دیگری وجود دارد که نمی توان عنوان کرد". البته این روزها در ادبیات سیاسی مد شده که می گویند: ناگفته هایی وجود دارد که بعدها اگر لازم دیده شود عنوان خواهد شد و هیچ گاه مازندران با به وسط کشاندن پای سبب زمینی و بارانه ها گفت: "ما با این چیزا رای نمی آریم!"

حرکت شما خارج از عرف است

جلسه ادامه داشت تا این که برخی حاضران در جلسه و بعضی خبرنگاران به ایراد سوال و طرح مشکلات پرداختند. حسن قمی یکی از خبرنگار حاضر در جلسه با انتقاد از نحوه ثبت نام کاندیداها گفت: "متأسفانه مرحله دوم ثبت نام زمانی انتخاب شد که حداقل سه روزش مربوط به عزاداری سیدالشهدا (ع) بوده و همگان در عزای امام حسین (ع) به عزاداری مشغول بودند و در روز دیگر نیز متصدیان دفتر و خود شخص آقای دهقان نیز پاسخگوی تلفن ها نبودند! حال اگر در تاسوعا و عاشورا راهم فرض کنیم که آقایان اعلام داشتند زمان ثبت نام است، پس چرا کسی در دفتر خانه مطبوعات حضور نداشته؟" وی در ادامه افزود: "این خارج از عرف و سلامت انتخابات خانه مطبوعات است که رییس خانه به همراه یک جمع ۷ نفره به غرب مازندران بیایند و لیست مشخصی را برای ائتلاف مطرح کنند... لازم است آن است تا ۱۹ نفر کاندیدا با یک چشم دیده شوند و حمایت این گونه ی مجموعه مدیریتی خانه مطبوعات استان از اسامی خاص مغایر با اخلاق و سلامت انتخابات است" قمی اضافه کرد: ساختار انتخابات در خانه مطبوعات باید اصلاح و تغییر جدی در آن صورت گیرد، همانطور که می دانید تعداد اعضای خبرنگاران فعال غرب استان ۱۰۰ نفر

یک انتخاب، دو جریان

در خانه مطبوعات چه نفعی وجود دارد؟

ادامه از صفحه اول

آیا خبرنگاران غرب استانی یا دریافت کادو و نشستن در ضیافت شیخی به ائتلاف دهقان آری خواهند گفت؟! قطعاً پاسخ این سوال منفی است چرا که خبرنگاران خرد ورز و اندیشه خواه غرب استان کرامت و رسالت خبرنگاری را بر پیشانی دارند و خام اهداف سوال برانگیز عده ای نخواهند شد.

بر اساس اخبار دریافتی تعدادی از مدعوین نشست گلزار به روند اقدامات مدیر عامل خانه مطبوعات که خود مجری برگزاری انتخابات دور جدید است، خرده گرفتند که چرا به چنین فضایی دامن می زند. فضایی که منجر به دو دستگی در اصحاب رسانه استان می شود و روند دموکراتیک انتخابات را زیر سوال می برد. اقدام دهقان اما بی تذر مقامات ارشاد نشد و پیام های تندی از سوی ارشاد به دهقان ارسال شد که چرا چنین شتابان! آن سوی ائتلاف جریان دهقان گروه مترکمی حضور دارند که بی میل به شکل دهی ائتلاف ۲۵ آذر نیستند، اما برای حفظ وحدت خبرنگاران مازندران علاقه مند به همکاری با برخی اعضای فعلی و باتجربه خانه هستند که در بین این افراد ایرج نیاز آذری، اکبر مقدسی، ذبیح الله بناگر، حسین برزگر و لیکچالی، سید حسین سیدی رکنی و رضا حسن زاده اشرفی نسبت به دیگر کاندیدا نام آشنا تر هستند. در این انتخابات رقابت در بخش مدیران مسوول و روزنامه نگاران کمی چالشی تراست، ولی در بقیه

اوزان (!) تعداد شرکت کنندگان از ترکیب مورد نیاز کمتر است، چرا مثلاً نماینده خبرگزاری ها و همچنین کاندیدای بازرسان بی رقیب روی تشک می روند!!

در مرکز استان نیز اقدامات دهقان حساسیت برانگیز شده است، حساسیت از این که در خانه مطبوعات چه نفعی وجود دارد که او ائتلاف تشکیل داد و می خواهد بر کرسی مدیر عاملی بماند؛ به نحوی که حساسیت اعضای منفعل و بی تفاوت به سر نوشت خانه را برانگیخت و احتمالاً آنها را به تالار فرهنگی ارشاد می کشاند.

متأسفانه عدم شرکت گسترده اعضای فعال و از همه بدتر اعضای که هیچ گونه فعالیت رسانه ای ندارند و فقط در مراسم روز خبرنگار شرکت می کنند و یا کارت عضویت خود را وکالت می دهند (!) ضربه مهلکی بر پیشر تشکل صنفی مطبوعات می زند.

برخی از این کارت داران از خانواده یا بستگان برخی مدیران رسانه ها هستند و متأسفانه به دلیل فقدان نظام ارزیابی و رتبه بندی از همه امتیازاتی بهره می جویند که معدود خبرنگاران فعال استان باز حمت تصاحب می کنند؛ کارت های معجزه آسایی که روز شنبه هم مقدرات سه سال مطبوعات استان را رقم می زند. اگر اعضای فعال و حقیقی مطبوعات در انتخابات شرکت نکنند بیشترین ضرر و خسران را متوجه خود می سازند. بر همین اساس از پیشکسوتان عرصه قلم و بزرگان مطبوعات مازندران خاضعانه می خواهیم که سنگر صنفی را خالی نکنند و با مشارکت فعالانه خود به غنای خانه مطبوعات بیفزایند.



وارش بند آمد!

کسالت و مراجعه وی به پزشک در تهران) روی داد، باعث شد تمام شماره‌های روزنامه مربوط در اولین ساعات روز جمع‌آوری و از توزیع تعدادی از شماره‌های روزنامه مربوطه جلوگیری شود. او قول داد با فرد خاطی و سهل‌انگار نیز به شدت برخورد می‌کند. علی‌رغم عذرخواهی رسمی و بی‌جی، بازتاب‌ها علیه مطلب روزنامه وارش به همین جا ختم نشد و از انواع پیامک و اظهار نظر تا تهدید به برخورد‌های جدی تر ادامه یافت. در همین زمینه امام جمعه نور گفت: قانون مطبوعات بازدارندگی لازم را ندارد و پس از اتفاق پیگیری انجام و اقداماتی صورت می‌گیرد که کافی نیست، آنچه مهم است باید ریشه این گونه جسارت‌ها خشکانده شود. به گزارش فارس،

باقرزاده تصریح کرد: این که ما هر از چندگاه منتظر اقدامات این چنینی باشیم و با افراد هم برخورد شود، اما در مدت کوتاه دیگر در رسانه‌ای دیگر و عنوان دیگر فعالیت خود را داشته باشند، منطقی نیست و قطعاً این عملکرد توسط مردم مذموم است. وی خواستار برخورد قاطع و شایسته با انتشاردهندگان این مطلب شد. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران نیز پیش‌تر عنوان کرده بود: «این روزنامه به قداست‌ها و حرمت‌ها احفاف کرده و مدیریت این روزنامه هم نتوانسته مدیریت جامع خود را اعمال کند.» هر چند بیشتر آگاهان و محافل رسانه‌ای و خود تحریریه این روزنامه اذعان داشته‌اند که بروز این خطا و اشتباه غیرعمدی بوده است. چشم‌پوشی از خطای صورت گرفته شرط عدالت و انصاف نیست، لیکن امیدواریم پرونده این روزنامه بر مدار قانون و بدون بهره‌گیری از هرگونه فشارهای احتمالی پیش برود و تذکرات و تنبیهات و توبیخ‌ها با توجه به پیشینه این روزنامه و سهوی بودن خطا اعمال شود. مخاطبان گرمی می‌دانند که به دلیل تبادل حجم بالای مطالب و سرعت انتشار خبر و مطلب (و شاید بی‌دانشی و کم بودن سطح سواد خبرنگار)، گاه بی‌دقتی‌هایی به وجود می‌آید و باعث بروز اشتباه - اعم از تایپی و محتوایی - می‌شود که البته این موارد از منظر قانون مطبوعات دور نمانده و پیش‌بینی‌های لازم نیز برای قضاوت درباره جرم صورت گرفته (عمد یا غیرعمد)، در نظر گرفته شده است.

استقبال هم می‌داند. به گزارش خبرنگاری فارس، مدیرمسئول وارش تاکید کرد: این روزنامه هم مثل روزنامه‌ها و رسانه‌های دیگر عاری از خطا نبوده و نیست ولی به نظر ما سابق روزنامه وارش نشان داده است که آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی و منافع ملی را که رهبر معظم انقلاب اسلامی منادی و مدافع قاطع آنند، بر هر چیز دیگر مقدم می‌داند و هرگز با جریان‌های معاند داخلی و خارجی همراهی



نداشته و ندارد و آن بخش از محتوای مطلب مذکور که موجب و موجد تفسیرهای ضد نظام شده است مورد قبول این روزنامه نبوده و نیست. وی افزود: چنانچه برخی یاران و دلسوزان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی از انتشار غیرعمدی نوشته مزبور در این روزنامه، حقیقتاً دچار رنجش و نگرانی و شبهه شده‌اند، روزنامه وارش از همه آنان صمیمانه پوزش می‌طلبد و قطعاً من بعد نظارت و کنترل بیشتری درباره مطالب منتشره معمول خواهد داشت و هرگز خطا کارانه حتی سهوی عمل نخواهد کرد.

قانون مطبوعات بازدارندگی لازم را ندارد
این واقعه‌ی به قول مدیرمسئول وارش «تلخ» که به گفته و بی‌جی در غیاب او در دفتر روزنامه (به دلیل

دغدغه معیشت، نه محتوا!

محمد اسماعیل بخشی سورگی

دانش و کاربلدی برخی مدیران مسئول هم گفت!) اقدام به درج چنین مطلبی در روزنامه نمی‌کردند و یا با علم به تضییع حقوق خود توسط عده‌ای مدیران رسانه باز هم به همکاری خود با آنان ادامه نمی‌دادند. متأسفانه دگماتیسم حاکم بر برخی تفکرات استانی و فراستانی هم در این موضوع بی‌تقصیر نیست، چرا که همواره ما در بیان حقایق، گوشه‌ای از اشکالات را به روی کار آمدن این نوع تفکر در عرصه مدیریت رسانه‌ای استان و کشور نسبت می‌دهیم. البته کم‌طاقتی و نقدپذیری بسیاری از مسئولان استان که با بهانه‌های مختلف اقدام به حذف تحلیل‌های درست مدیریتی استان نموده‌اند نیز در این فرایند بی‌تاثیر نبوده و نیست. آنجا که مسئولی تنها با یک تیترو عقده و کینه‌ای چندین ساله به دل می‌گیرد و با انواع و اقسام روش‌ها در تضعیف جایگاه اجتماعی، شخصیت فردی و گاه و چهره عمومی نگارنده آستین همت بالا می‌زند! البته هنوز هم با وجود تمامی این تهدیدها و فشارها دوستان و همکاران عزیز هستند که ثابت قدم مانده‌اند و رسالت رسانه‌ای خود را در خط مقدم مبارزه با مدیریت عقب‌مانده و تفکر جمادگونه، به درستی انجام می‌دهند، اما آیا توانایی رسانه‌های مجازی و مکتوب استان تنها در همین حد است؟! بارها شاهد این موضوع بوده‌ایم که به دلیلی درج خبری یا تحلیلی از نویسندگان و مدیرمسئول شکایت می‌شود و حتی کار به دادسرا و بازداشت کشیده می‌شود و آن‌گاه معاون سیاسی و امنیتی استاندار - که الحق و انصاف نسبت به سایر مدیران استان در زمینه دفاع از حقوق همکاران رسانه‌ای پیش‌گام است - با تلفن یا نوشته عده‌ای را از تفکر برخورد ضربتی با این موضوع برحذر می‌دارد. استاندار محترم هم بارها از حریم مطبوعات دفاع و اعلام کرده‌اند مدیری که با خبرنگاران روی سازش نداشته باشد، مدیر طاهایی نیست؛ اما برخی آقایان مسئول به حد نهایت مقابل این گفته مقابله می‌کنند و این قدر هم این موضوع تکرار می‌شود که شکایت از اصحاب رسانه به امری عادی در فضای اجتماعی استان بدل شده است.

عقیده نویسندگان بر این است که باید برای عوض شدن روی سکه در فضای مطبوعاتی استان، هم برخی از مدیران و هم بسیاری از همکاران رسانه ای جای خود را به افراد خوش فکر تر و با تقوای در عرصه خبری و دینی بسپارند، چرا که تنها با خلاقیت و حرکت بر مدار تغییر در ماهیت اطلاع‌رسانی برخی از دوستان، شاهد تحول در بسیاری از عرصه‌های خبری استان خواهیم بود، وگرنه با ادامه روند این نوع فکر در فضای رسانه، اوضاع به روال سابق خواهد گذشت و هر روز هم تعداد دوستانی که توانایی خوبی در بیان بسیاری از مسایل و معضلات اجتماعی، مدیریتی و اقتصادی استان دارند در فضای رسانه‌ای استان کمتر می‌شود.

عرضه کرده بود - عیناً " انتشار داده بود! در همان نگاه نخست می‌شد فهمید که کار سهوی بود، لیکن این اشتباه قابل گذشت و اغماض نبود. منتظر ماندم تا به تدریج بازخوردها آغاز شد. پس از انتشار این خطای بزرگ در محافل مختلف استان و موضع‌گیری برخی افراد حقیقی و حقوقی، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران اشتباه روزنامه وارش را به مسئولان این نشریه ابلاغ کرد.



هم چنین در پی احضار دادستان مرکز استان، لیلاوریچی - مدیرمسئول روزنامه وارش - به همراه جمعی از تحریریه این روزنامه در دفتر دادستان مرکز استان حاضر شدند و در رابطه با مطلب منتشره توضیح دادند. انتشار روزنامه هم تا اطلاع ثانوی متوقف شد.

مدیرمسئول عذرخواهی کرد
پس از توقف انتشار روزنامه، لیلاوریچی نامه‌ای نوشت و ضمن پوزش فراوان از بروز این خطای ناخواسته، آمادگی خود را برای پذیرش هر نوع برخورد قانونی از سوی مراکز و مراجع ذی‌ربط اعلام داشت و تاکید کرد که این گونه نظارت‌ها را برای حفظ فضای رسانه‌ای میهن اسلامی ضروری و درخور

این روزها رسانه‌های مازندران از چند منظر حال خوشی ندارند؛ یکم این که در استان، گوش شنوا و چشم بینا کم‌تر یافت می‌شود و از آن‌جایی که مدیران در عمل کم‌تر از توصیه‌ها و پیشنهادهای و تحلیل‌های رسانه‌ای استفاده می‌کنند، مطبوعات (به مفهوم عام آن) دچار نوعی ضعف تحلیلی شده‌اند و انگیزه نقد را از دست داده‌اند، چرا که مخاطبی را برای طرح انتقادهای خود نمی‌شناسند و دوم پایین آمدن آستانه تحمل کاربدستان امور است که حتی از کامنت مخاطبان سایت نیز نمی‌گذرند و دست به شکایت می‌برند! همین چند روز پیش خبرنگاری را در فریدونکنار با شکایت مدیر یک بانک به زندان منتقل کردند، شنبه با حکم جلب، مدیرمسئول روزنامه‌ای را به بازپرسی احضار کردند، خود من نیز صبح دوشنبه در جلسه دادگاهی در یکی از شعبات قائم شهر حاضر شدم تا در مورد دو کامنت، پاسخگوی شکایت مدعی العموم باشم!

یک عکس + یک مطلب = توقیف
عصر یک شنبه بود که دوستی تلفن و توصیه کرد عکس صفحه نخست روزنامه وارش آن روز (تاریخ ۱۹ آذر) را ببینم که به قول او مایه مسرت و خنده و البته شگفتی است؛ تصویر سگی که گم شده و صاحبش برای یافتن او آگهی داده! می‌گفت مطلب صفحه ۴ فرهنگ و هنر را ببین، به نظر می‌رسد گاف داده‌اند. وارش را تهیه کردم و هر دو مورد را دیدم. از بی‌سلیقتی در چاپ آگهی سگ که بگذریم، مطلب صفحه ۴ وارش جای هیچ‌گونه دفاعی نداشت. خبرنگار این روزنامه نوشته "ویکی پدیا" را که در مورد عماد رام - خواننده و نوازنده ساروی - که همزمان با انقلاب به خارج از کشور رفته بود و هنرش را نیز برای برخی گروه‌های معاند نظام

آنچه که امروز در فضای رسانه‌ای استان به وضوح قابل مشاهده است، نبود برنامه ریزی درست و همچنین نداشتن نگاهی آینده‌نگر به فضای مطبوعاتی استان است. ما بارها در یادداشت‌های مختلف از فضای رسانه‌ای در استان گلایه کرده‌ایم و اکنون با بروز خطاهایی فاحش بیشتر بر صحت موضوع مطروحه می‌توان صحنه گذاشت. نبود تقوای رسانه‌ای، ناآشنایی برخی با اصول و مبانی اصلی رسانه و مطبوعات و همچنین مشکل کپی برداری از محتوای سایت‌ها و خبرگزاری‌های دیگر کار را به اینجاریسانده است. امروز شما نگاهی به نشریات و سایت‌های استان بیندازید، به وضوح نبود دسته‌بندی خبرها، یادداشت‌ها و همچنین تحلیل‌های بی‌مایه و مغز در آن خودنمایی می‌کند و تنها در مواردی معدود، قلم برخی افراد شاخص در استان است که جلوه می‌کند. دغدغه معیشت یک مدیر رسانه‌ای و همچنین مدیرمسئول مطبوعاتی کار را به آنجاریسانده است که باید در صفحه اول یکی از با سابقه‌ترین نشریات استان، شاهد درج چنین آگهی دور از شانی باشیم.

نویسنده بر این گمان است اغلب رسانه‌های مکتوب استان از این داستان مستثنی نیستند، چرا که در صفحه‌های نشریه خود بیش از نیمی از آن را به تبلیغات و رپورتاژ اختصاص داده‌اند و خبرها و باقی مطالب هم تنها با کپی برداری از برخی خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری استان و گاه با همان اشکالات و خطاهای نوشتاری درج می‌شود و این رنگ خطری بود که ما بارها از آن سخن به میان آورده بودیم. وقتی سکان داران برخی رسانه‌های استان افرادی بی‌مسئولیت و بی‌تقوای می‌شوند که هر آنچه می‌خواهند در رسانه خود می‌کنند جز پرداخت اندک حقوق خبرنگار خود، نباید انتظار داشت که رسانه‌های استان شاهد بهبود کیفیت خبری و همچنین کارهای برجسته تولیدی در زمینه‌های مختلف باشد. با بررسی اندک بر رسانه‌های استان (مجازی و غیرمجازی) (این موضوع به روشنی تایید می‌شود که اکثر آن‌ها تنها با یک نفر نیرو یا به صورت خانوادگی در حال گرداندن هستند. البته نباید از نظر دور نگاه داشت که شاید علت اصلی این قبیل مشکلات همان مشکل مالی اصحاب رسانه باشد اما در همین رسانه‌های مکتوب و غیرمکتوب سراغ داریم افرادی که با اندک امکانات و با عنایت به مطالعات خود در حوزه‌های مختلف، سبکی جدید خلق کرده و همواره هم در زمینه‌های مختلف از آرای آنها استفاده می‌شود.

در یادداشت‌های قبل اندکی از این قصور را به خود همکاران خبرنگار نسبت دادیم، چرا که اگر اندکی مطالعه داشتند، هیچ‌گاه حتی در نبود مدیرمسئول (که البته باید درباره میزان



• علی صادقی
سردبیر مازندنومه



کی، پیست ناشیانه آفت رسانه ها شده است

روزنامه وارث در شماره روز سه شنبه ۲۱ آذر ماه خود با تیتر درشت و در نیم صفحه کامل، رسماً از رهبر معظم انقلاب و مردم ولایتمدار استان به دلیل سهل انگاری در انتشار مطلب توهین آمیز به ساحت بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی ایران عذرخواهی کرد. یادداشت زیر را ایرج نیاز آذری - روزنامه نگار - درباره خطای فاحش و غیرقابل اغماض روزنامه وارث نوشته که از نظراتان می گذرد.

دو اقدام سخیف و غیر حرفه ای روزنامه وارث هزینة های هنگفتی متوجه رسانه های گروهی مازندران ساخت. تبعات و پیامدهای بعدی این اقدامات موهن دامن همه اصحاب قلم را گرفت، چراکه عده ای منتظر اندک خطایی از مطبوعات و خبرنگاران هستند تا از آنها انتقام بگیرند. روزنامه وارث با چنین خطایی ضربه سنگینی به جریان اطلاع رسانی در مازندران زد، ضربه ای که تا مدت ها آهنگ نظام انتقادی و اطلاع رسانی را کند خواهد کرد.

نگارنده ضمن واقف بودن به سختی کار مدیریت رسانه و احتمال اشتباه و قصور در این عرصه معتقد است فعالیت رسانه ای حکم نشستن کشتی در دریا را دارد و مثل خطای فعال مطبوعاتی مثل فردی است که جای خود را در کشتی سوراخ می کند. به این ترتیب باید هشدار داد که دود هرگونه سهل انگاری و بی دقتی در مطبوعات ابتدا چشم اهالی قلم را می سوزاند و موجب سلب اعتماد از مطبوعات می شود.

در پی خطای تحریریه وارث مدیریت این روزنامه با ارسال پیامی ضمن عذرخواهی قول برخورد با خاطیان و پذیرش اعمال قانون بر خود را اعلام نموده است. در همین حال و در پی حساسیت درست و متعهدانه افکار عمومی نسبت به موضوع، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر مقامات از اقدام عاجل و شدید علیه خاطیان سخن گفتند. همکاران رسانه



ویکی پدیا
دانشنامه آزاد

ای هم کم و بیش ضمن محکوم کردن عمل دور از شان روزنامه وارث خواستار دقت عمل مدیران رسانه ها شدند، اما نکته ای که در این ماجرا مغفول واقع شد ضعف نظارتی ارشاد استان و خانه مطبوعات به عنوان متولیان حوزه رسانه است. اداره کل ارشاد باید پاسخ دهد که در کنار حمایت ها چه برنامه و سازوکاری برای نظارت، آموزش و ارتقای کیفیت مطبوعات محلی دارد؟ عیار مطبوعات محلی و کیفیت آنها شاخص خوبی برای قضاوت درباره مدیریت موضوعی در ارشاد مازندران است. به اعتقاد این قلم ارشاد استان بی تقصیر از خطای روزنامه وارث نیست و شایسته است مدیرکل آن در کنار اقدام قانونی در مقام عذرخواهی نیز برآید، چون ساحت مقدس اندیشه و عواطف انقلابی و دینی جامعه آسیب دیده است. متأسفانه ارشاد استان در امر رتبه بندی خبرنگاران و ارزیابی رسانه ها دقت لازم را ندارد و بین رسانه های فعال و حتی مطبوعات تعطیل تفاوت زیادی قائل نمی شود. به عنوان یک روزنامه نگار "خود انتقادی صنفی" را تضمین کننده مسیر درست آینده مطبوعات دانسته و خود را شایسته سرزنش و عذرخواهی به خاطر چنین خطایی توسط همکاران می دانم. از سایر همکاران که تیغ انتقاد شان به مدیران و صاحب

منصبان همواره تیز است انتظار می رود بی تعارف صنفی از اقدام زشت و ناپسند هرکه خلاف رویه حرفه ای، ارزشی و صنفی قدم بر می دارد ابراز انزجار نمایند و به مصداق یک سوزن به خود خویشتن خویش را تذکره می دهند و متنبه می سازند! این قلم باور دارد روش تعارف مداری مقامات سیاسی و متولیان فرهنگی در مواجهه با حضور افراد غیر حرفه ای در عرصه رسانه ارزش های حرفه ای و ساحت مقدس رسانه را دچار ضعف و تنزل جایگاه نموده است. در این میان خانه مطبوعات به عنوان نهاد صنفی مرتبط با رسانه نیز شایسته تذکر و نقد است که فقط مسائل رفاهی خبرنگاران را دنبال می کند و کمتر به امور منزلتی و ارتقای کیفیت کاری اعضا می پردازد. ضرورت دارد خانه مطبوعات در مقام نظارت میدانی و توانمندسازی مطبوعات در این خصوص فعالیت بیشتری داشته باشد. حساسیت کار مطبوعاتی ایجاب می کند افراد خبره، آموزش دیده و مطلع در مدیریت رسانه ها حضور یابند و متولیان مربوطه بی تعارف به اعمال قانون روی آورند و نگذارند افراد گزینش نشده و ناآشنا در حریم مطبوعات وارد شوند. رفتار غیر حرفه ای و کاسبکارانه برخی مطبوعات محلی و سایت های مجازی که سودای منفعت طلبانه صرف از عرصه فرهنگ و هنر را دارند امر نقادی را بر منتقدان دلسوز سخت نموده است. از سویی خطای ناخواسته و سهوی روزنامه وارث نباید مطبوعات و روزنامه نگاران را منفعل کند و فضای ترس و محافظه کاری را در حوزه نقادی پدید آورد و از طرفی شایسته دقت عمل و هوشیاری بیشتری توسط مدیران رسانه ها و فعالان مطبوعاتی است. کی پیست ناشیانه از منابع غیر مستند و بعضاً مسئله دار آفت جدی برای رسانه ها شده و مدیران رسانه بی توجه به مطالب دریافتی آن را منتشر می کنند.

کی پیست یک مطلب باعث تعطیلی روزنامه وارث شد. این جمله را در می شود، توهین یکی از خوانندگان فراری نسبت به حضرت امام (ره) در اثر سهل

وارث به مثابه کیهان گذشته وارث را از یاد نبریم

روزهای اخیر بسیار خواننده ایم و شنیده ایم. همین یک خط کافی است تا این نکته را در یابیم که مطلب انتخاب شده از سوی این روزنامه که حاوی پاراگرافی توهین آمیز به معمار بزرگ انقلاب اسلامی است، در اثر سهل انگاری و فقدان نظارت کافی در روزنامه منتشر شده است. آنچه که برای وارث روی داده است و موجب جریحه دار شدن اعتقادات و احساسات عمومی شد، ممکن است برای هر نشریه و رسانه ای رخ دهد؛ حتی اگر این نشریه متعلق به مؤسسه کیهان باشد که توسط نیروهای متعهد و انقلابی اداره می شود. مهرماه امسال کاریکاتوری موهن در کیهان کاریکاتور منتشر شد که موجب توقف انتشار این نشریه پر آوازه شد. در این کاریکاتور با عنوان "زلیخافشش شو" در صفحه ۴۹ در ماهنامه کیهان کاریکاتور (مرداد و شهریور ۱۳۹۱) منتشر شد، حضرت یوسف (ع) به شکل یک مانکن عریان در جمع زنان که دستان خود را از زیبایی او بریده اند به نمایش در آمده بود. توهین به حضرت یوسف که جزو انبیای الهی است و در قرآن کریم جایگاه بلند مرتبه ای دارد، در شرایطی در این نشریه منتشر شد که سید مسعود شجاعی طباطبایی مدیر مسئول کیهان کاریکاتور حضور نداشته است. همین امر عذرخواهی حسین شریعتمداری سرپرست مؤسسه کیهان را به دنبال داشت. وی در اطلاعیه ای اعلام کرد: کاریکاتوری که به چاپ رسیده است هر چند موضوع آن انتقاد به مدرگی و دور شدن جوامع از داشته های سنتی و ملی خود بوده است ولی کج سلیقگی در انتخاب سوژه آن به گونه ای است که بعید نیست در برخی از برداشته ها، حضور حضرت یوسف علیه السلام را در محفلی که زلیخا با شرکت زنان مصر ترتیب داده بود، به ذهن متبادر کند. در این کاریکاتور هیچ نام و اشاره ای به آن پیامبر بزرگوار نشده است و پوشش زنان برگرفته از پوشش سنتی و متداول دوران قاجاریه، یعنی سرآغاز ورود مدرنیته به کشورمان است. اما از آنجا که احتمال برداشت سوء یاد شده نیز وجود دارد، مؤسسه کیهان ضمن پوزش از این خطای ناخواسته، آمادگی خود را برای پذیرش هر نوع برخورد قانونی اعلام می دارد.

امروز شاهدیم که مشابه همین اتفاق برای روزنامه محلی وارث نیز در نبود مدیر مسئول آن به وقوع می پیوندد و در مطلبی که از فضای مجازی برداشت و در وارث منتشر

می شود، توهین یکی از خوانندگان فراری نسبت به حضرت امام (ره) در اثر سهل انگاری به چاپ می رسد. مدیر مسئول وارث با توجه به سابقه سالها فعالیت در چهارچوب نظام و پایبندی به اهداف و آرمان های جمهوری اسلامی ایران همچون موضع کیهان در اطلاعیه ای رسمی از محضر مقام معظم رهبری و مردم عذرخواهی کرد و روند انشار وارث را متوقف کرد. مدیر مسئول وارث در اطلاعیه خود، مسؤلیت این سهل انگاری را پذیرفت و وارث را نشریه ای وفادار به اندیشه ها و ارزش های امام (ره) توصیف کرد. تا روز شنبه ۱۸ آذر ماه، همه دستگاه ها، مراجع، سازمان ها مسؤولان دولتی و حکومتی در استان که وارث را مطالعه می کردند، پیگیر بودند تا خبرها، سخنان و تصاویرشان در این روزنامه منتشر شود و در دفتر این روزنامه حضور می یافتند و وارث را نشریه ای در خدمت مردم و نظام بر می شمردند. حال که این هتاک بر اثر سهل انگاری و نه باور و پندار مسموم و وقیحانه و غیر همسو با اندیشه های بنیانگذار جمهوری اسلامی، روی داده است، نیروهای این روزنامه را از گردونه نظام خارج ندانیم و شماره های گذشته این رسانه را نادیده نگیریم. در همین وارث با هزینه های شخصی ویژه نامه هایی برای معرفی اندیشه های تابناک امام خمینی (ره) به صورت اختصاصی منتشر شده که هیچ مقام مسؤولی در نهادهای دولتی و حاکمیتی، قدردان این رویکرد انقلابی نبوده اند. حال که از سوی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران و مراجع زیربط برخورد قانونی با روزنامه وارث انجام گرفته است، سعی کنیم در اظهار نظرها، انتقادات و انزجار خود، رفعت اسلامی را نیز مورد لحاظ قرار دهیم. کارکنانی که در این روزنامه مشغول به کارند فرزندان همین انقلابند که با کمترین توقع، در تلاشی شبانه روزی به اطلاع رسانی، آگاهی بخشی و بیان مطالب مردم و دستاوردهای نظام مشغول بودند. البته قصدمان از بیان این مطالب کم رنگ جلوه دادن مطلب اهانت آمیز این روزنامه نیست و معتقدیم باید طبق قانون با این قصور برخورد کرد. خواستیم بگوییم که در برخورد با این روزنامه، باورها و اعتقادات مدیریت و کارکنان وارث نسبت به امام و انقلاب و شرمندگی از آنچه روی داده است را نادیده نگیریم و انصاف را در اظهار نظر و نظر های مان مورد لحاظ قرار دهیم و جاذبه نظام را نیز در شرایط و مقطع حساس کنونی پیش از پیش مورد توجه قرار دهیم.



یادداشت میهمان

یک خطا

و چند یادآوری

• عاطفه خیرخواه
روزنامه نگار



روزنامه وارث به مدیریت مسئولی (لیلا وریجی) چندسالی است که با به عرصه رسانه های شمال کشور گذاشته و در مدتی که از فعالیت مستمرش می گذرد توانست به عنوان یکی از رسانه های تراز اول استان مازندران، مطرح شود. این روزها وارث منتشر نمی شود و دلیلش را هم همه می دانیم و بیان آن توضیح و اباحت است، اما به نظر چندنکته را باید یادآور شد:

۱- پیامیزم که هر چیزی باید جای خودش باشد؛ دستگاه قضا به عنوان عالی ترین مرجع رسیدگی به امور قضائی، مقتدرانه به وظایفش رسیدگی می کند و به صراحت باید گفت نیاز به راهنمایی یا هدایت گری عده ای خارج از دایره کارشناسان و قضات نیست. آیت الله لاریجانی در راس این قوه و جانشینانش در استان ها نیک می دانند که قانون چه می گوید و بدیهی است که با حساسیت خاصی قانون شکنی ها، تعدی به موازین شرعی و زیر پا گذاشتن حرمت های مذهبی و ملی را بدون هیچ اغماضی رسیدگی خواهند کرد.

۲- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان متولی امور فرهنگی و رسانه ای نیز تلاش خود را به کار گرفته است با بهره گیری از کارشناسان و متخصصان هر حوزه، وظایف خود را به نحو احسن انجام دهد و در استان ها نیز اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی پیرو آیین نامه ها و بخشنامه های این وزارتخانه فعالیت می کند؛ اما نباید فراموش کرد نظارت، اصل بسیار مهمی است که باید به طور جدی دنبال شود که متأسفانه این اهم در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران دست کم در حوزه رسانه که حوزه تخصصی فعالیت های نگارنده هست، اهم کمک کننده ای به این مجموعه نیست تا از بروز اشتباهات یا مسائل مبتلابه جلوگیری شود.

۳- «توهین» به بزرگان دین و کشور رفتار نکوهش شده ای است که در هیچ قانون، جامعه و شریعتی پذیرفتنی نیست، ولی اتفاقی که در روزنامه وارث افتاد خطائی بود که ناشی از ضعف نظارت مستقیم مدیرمسئول یا جانشین وی قبل از خروجی نشریه است و قابل چشم پوشی هم نیست. البته از نگاهی دیگر این را هم نباید نادیده گرفت که «اعتدال»، اصل مهمی در هر کاری است که به طور قطع بعد از سال ها کار و فعالیت برای لیلا وریجی در مورد همکارانش محقق شده بود و او ناخواسته تنها براساس همین اصل، دچار اشتباهی این چنین شد.

۴- همواره وقتی اتفاقی (در هر حوزه ای که باشد) رخ می دهد، عده ای بیرون گود می ایستند و از دور به معرکه نگاه می کنند، عده ای تمام قد سعی می کنند بر اصولی پذیرفته شده، معرکه را همانطور که باید به سرانجام برسانند و اما آن عده ای که بیش از همه مسئله ساز هستند، آنانی اند که لبه گود ایستاده اند و در پی گرفتن ماهی های مورد نظر خود از آب گل آلود معرکه هستند. باید گفت این رسم جوانمردی و انصاف نیست؛ اگر هدف آن است که شخص خطاکار به سزای خطایش برسد دستگاه متولی امر می داند که چه کند.

۵- روزنامه وارث سعی کرده است در دنیای کم فروغ مطبوعات مازندران عده ای را زیر یک سقف جمع کند و چرخ اقتصادی چند خانواده را بچرخاند. از خطای بزرگ این روزنامه نمی توان گذشت و قانون حتماً درباره این مسئله اعمال خواهد شد، ولی امیدواریم هم پیشینه مثبت گردانندگان وارث و هم اشتغال چند خانواده در این مجموعه نیز مد نظر قرار بگیرد.

درباره آن ها که خود را می کشند

طی ۲۴ ساعت (یک شنبه تا دوشنبه هفته جاری) دو جوان فریدون کناری به دلیل اختلافات خانوادگی دست به خودکشی زدند. یکی از این افراد جوانی به نام آقای (ش) ۲۰ساله مجرد بود که خود را با طناب حلقه آویز کرد و دیگری خانم (ح) متاهل دارای یک فرزند بود که با مصرف قرص برنج دست به خودکشی زد. یاد آور می شود: دو جوان دیگر در ۶ ماه نخست امسال با استفاده از قرص برنج دست به خودکشی زده بودند و جمعا چهار نفر از جوانان این منطقه با این روش به زندگی خود پایان دادند.



۳۱ خودکشی در روز

طبق آمار وزارت بهداشت ایران، حداقل ۳۱ خودکشی در روز با میانگین سنی ۲۹ سال اتفاق می افتد. اگر چه صاحب نظران علت خودکشی را بیش از هر چیز بیماری های روانی و به خصوص افسردگی شدید می دانند، تحقیقات اخیر در کشور، از تغییر علت اصلی خودکشی در ایران خبر می دهد. براساس تحقیق انجام شده، از مجموع ۲۴۰ نفری که پس از اقدام به خودکشی به این بیمارستان منتقل شده اند: "مهمترین علل زمینه ساز خودکشی در این مطالعات، اختلافات خانوادگی (۵۴.۶ درصد)، مشکلات عاطفی (۱۸.۸ درصد)، مشکلات اقتصادی (۸.۳ درصد)، مشکلات جسمی و روحی (۷.۹ درصد) و سایر علل (۷.۹ درصد) بود و در ۲.۵ درصد موارد علت خاصی وجود نداشت. گروهی از پژوهشگران بخش روان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی مازندران نیز در تحقیق مشابهی بر روی خودسوزی در استان مازندران - که به یکی از روش های اصلی خودکشی در ایران بدل شده - به این نتیجه رسیده اند که از میان ۳۱۸ مورد خودسوزی مورد مطالعه در طی سه سال که ۸۳٪ قربانیان آن زنان بوده اند و علت اصلی این اقدامات نیز "کشمکش های زناشویی و خانوادگی" بوده است. خودکشی سومین عامل مرگ در بین سنین ۱۵ تا ۲۴ سال است و اختلافات خانوادگی، شکست و ناامیدی و فشارهای روحی در صدر جدول خودکشی در ایران است. طبق آمار منتشر شده توسط وزارت بهداشت استان لرستان اولین رتبه و استان های مازندران و گلستان در رتبه های بعدی خودکشی قرار دارند.

از اقدام به خودکشی تا خودکشی

بر اساس تعریف مورد توافق جهانی خودکشی تنها راه و آخرین راه از بین بردن خود آگاهی فرد در مورد خود است. اصطلاح خودکشی تنها زمانی مورد استفاده قرار می گیرد که اول شخص آگاهانه اقدام کرده باشد و ثانیاً منجر به از دست رفتن خود گردد و در صورتی که منجر به از دست رفتن خود نگردد از اصطلاح «اقدام به خودکشی» یا «خودکشی نافرجام» استفاده می شود. گر چه خودکشی مهمترین معضل جهان نیست، اما آمارهایی که از سوی سازمان بهداشت جهانی (WHO) و سازمان های بهداشتی کشورها منتشر می شود، نگرانی جهانی از میزان خودکشی جوانان را افزایش داده است.

هر سال یک میلیون نفر در اثر خودکشی می میرند

در هر سال حدود یک میلیون انسان خودکشی می کنند. آمار خودکشی در جهان ۱۶ نفر به ازای هر صد هزار نفر است و به طور متوسط در هر ۴۰ ثانیه یک نفر خودکشی می کند. پیش بینی می شود که در سال ۲۰۲۰ این تعداد به ۵.۱ میلیون نفر در سال برسد. خودکشی ظرف ۵۰ سال گذشته به میزان ۶۰٪ در سطح جهان افزایش داشته است. در حال حاضر خودکشی برای افراد ۱۵ تا ۴۴ سال یکی از عوامل اصلی مرگ است و خودکشی های نافرجام حدود ۲۰ برابر تعداد خودکشی هایی هستند که به مرگ منجر می شوند. سازمان بهداشت جهانی تخمین زده است در هر سال بیش از یک میلیون نفر بر اثر خودکشی می میرند.

عضو شورا: کیاکلا ناامن است فرماندار: صحت ندارد

هفته گذشته یکی از اعضای شورای شهر کیاکلا با مازندنومه تماس گرفت و از وجود ناامنی در این شهر خبر داد. وی با بیان این که کسی توجهی به کیاکلا ندارد، از ما خواست تا



موضوع را پیگیری کنیم. فرماندار قائم شهر در رابطه با اظهارات این عضو شورای شهر کیاکلا گفت: به هیچ عنوان چنین چیزی صحت ندارد. علی پیرفلک با اشاره به اینکه در روز برگزاری مراسم سالگرد شهید کشوری با برخی اعضای شورای تامین وارد شهر کیاکلا شدیم، تصریح کرد: برخی باغ ها حصار نداشتند و درخت ها در معرض دیدگان همه بود و یکی از اعضای شورای تامین از اینکه درخت های مرکبات دست نخورده اند ابراز تعجب کرد. پیرفلک ادامه داد: این عضو شورای تامین می گفت: در برخی شهرهای استان باغداران باغ را تا دو متر هم دیوار می کشند اما باز هم مورد دستبرد قرار می گیرند. وی با بیان اینکه کسانی که در کیاکلا پارکینگ ندارند، خودروی خود را در کنار خیابان پارک می کنند و تنها از یک قفل سوئیچ استفاده می کنند، خاطرنشان کرد: حتی یک مورد سرقت ماشین هم در کیاکلا نداشتیم. پیرفلک با اشاره به اینکه موارد ناامنی را مصداقی و با ذکر تاریخ و زمان بگویند تا پیگیری کنیم، افزود: آمادگی دارم به دلیل اینکه به رسانه احترام گذاشته باشم هر کدام از موارد ناامنی را با ذکر مصداق، شخصا پیگیری کنم. وی همچنین در رابطه با جدیدترین اقدامات حوزه عمرانی شهرستان قائم شهر گفت: دو زیرگذر در منطقه کمربندی غربی در محدوده کفشگرکلا و اسکندرکلا با اعتبار ۱/۵ میلیارد تومان در دست احداث است. فرماندار قائم شهر ادامه داد: با احداث این دو زیرگذر مشکلات مردم منطقه در عبور از خیابان و حواش ناشی از برخورد با خودروها، کاهش می یابد. وی با بیان اینکه هشت تقاطع همسطح و غیرهمسطح با همکاری شهرداری و راه آهن شمال احداث می شود، تصریح کرد: احداث دو تقاطع آغاز شده و پیشرفت خوبی هم دارد و هفته آینده احداث دو زیرگذر دیگر هم هفته آینده آغاز می شود. پیرفلک یاد آور شد: احداث این هشت زیرگذر ۳/۵ میلیارد تومان اعتبار دارد.

شورای سوم

شهردار سوم را انتخاب کرد

سومین شهردار فریدون کنار در هفته پیش معرفی می شود. بنا به گزارش رسیده پنج عضو شورای اسلامی شهر فریدون کنار در آخرین جلسه خود انتخاب حسن یحیی پور را با



۳ رای به عنوان شهردار جدید فریدون کنار تصویب نمودند. یحیی پور در حال حاضر به عنوان دومین شهردار دابودشت (آمل) مدیریت این شهر تازه تاسیس را به عهده دارد. خاطرنشان می کنیم شورای شهر کنونی فریدون کنار تاکنون دو شهردار را انتخاب و برکنار کرده است. اولین شهردار فریدون کنار (حمید رضا ربیع پور) به پیشنهاد مهدی نصیری با چهار رای موافق انتخاب شد که حدود سه سال و نیم سکان شهرداری این شهر بندری را در دست داشت. سید حسین رضوی نوا شهردار دوم بود که به پیشنهاد ناز بانو عزیزی تنها عضو خانم شورا با سه رای موافق توانست حدوداً بیست ماه در این شهر نقش خدمت کند. حال نوبت به یحیی پور رسیده است، اما سئوال این جاست که آیا در شش ماه باقی مانده از عمر شورای سوم، شهردار جدید می تواند نقشی در تحولات این شهر ساحلی ایفا کند؟ یاد آور می شود از پنج عضو شورای شهر فریدون کنار چهار نفرشان فرهنگی بازنشسته هستند که با یکدیگر اختلافاتی نیز دارند.

ایستگاه آخر

قطار ساری-مشهد حذف شد

به گزارش مازندنومه، به دلیل بدهکاری شرکت طرف قرارداد به راه آهن جمهوری اسلامی ایران، تصمیم گرفته شد تا اطلاع ثانوی این قطار حذف شود.

یک منبع آگاه در راه آهن شمال به مازندنومه گفت: راه آهن بابت هربار رفت و برگشت این قطار از ساری به مشهد و برعکس، مبلغ ۴/۵ میلیون تومان از شرکت خصوصی درخواست دارد که شرکت نیز به دلیل سودآور نبودن، زیربار نرفته است و به همین دلیل حرکت قطار در این مسیر پرتردد متوقف شده است. وی افزود: احتمال دارد با توافق راه آهن و شرکت طرف قرارداد از ۲۴ آذرماه قطار با همان کیفیت نامطلوب سابق فعالیتش را از سر بگیرد. خاطرنشان می کنیم بخش خصوصی افزایش قیمت و مبلغ ۳۳ هزار تومان را برای هر قطعه بلیت برای این مسیر پیشنهاد داده است که مورد موافقت راه آهن قرار نرفت. قطار مستقیم ساری - مشهد از ۲۲ مرداد ماه سال ۱۳۸۷ آغاز به کار کرد اما از آن زمان تاکنون هر ساله بر قیمت بلیت ها افزوده می شود و از خدمات و امکانات خبری نیست. این قطار دارای واگن های فرسوده ایست و استاندارد اولیه را نیز ندارد و گفته می شود در برخی سالن های آن حشراتی نیز مشاهده شده است که ناگزیر به سم پاشی اقدام کرده اند.



یادداشتی کوتاه درباره حادثه شین آباد

شین مثل شرم!



کلثوم فلاحی
خبرنگار مازندنومه

اندوهناک تری باید بیفتد تا وزیر به خود بیاید و گستره نگاهش را از دالان تنگ، به مسیری فراخ هدایت کند؟ از وزیر این دستگاه آموزش می پرسم که این شب ها چگونه سر بر بالین می گذارد و چگونه آب راحت از گلویش پایین می رود در حالی که تعدادی از دختران این سرزمین در آتش بی تدبیری سوختند و جان باختند؟ اگر وزیر توانایی جلوگیری از این مسائل را ندارد، دست ها را بالا ببرد و کنار بکشد. اینکه وزیر با طعنه بگوید نمی دانستیم قرار است بخاری آتش بگیرد تا جلوی این اتفاق را بگیریم، جز اینکه دردی بر دردهای خانواده های مصیبت دیده از این حادثه بیفزاید، استفاده دیگری ندارد. آقای وزیر! بس است، اگر این طور پیش برود باید وزارتخانه را تعطیل کرده و از این مجلس ختم به آن مجلس ختم بروید.

هنوز داغ دخترانی که در اتوبوس راهیان نور، دچار حادثه شدند از یادمان نرفته بود که حادثه دیگری اتفاق افتاد، حادثه ای تلخ و غم انگیز. وزارتخانه ای بانام آموزش و پرورش که به قولی آموزش و پرورش فرزندان سرزمین مان را بر عهده دارد، تبدیل به غولی شده که نونهالان مان را می بلعد. دستگاهی بس عریض و طولیل که نه به کاهش سن اعتیاد توجه دارد و نه به کاهش سن فحشا. دستگاهی که به عقیده خود، تعلیم و تربیت نونهالان مان را بر عهده دارد اما گویا فقط در درس و مشق و امتحان خلاصه شده است. این چه دستگاهی است که نه معلم از آن راضی است و نه دانش آموز، اما وزیر همچنان از خود، راضی است؟ این چه دستگاهی است که فرزندان مان را به کام مرگ می کشاند و پاسخگو هم نیست؟ چه اتفاق بزرگتر و سخت تر و

یادداشت میهمان

راندنگی، سرگرمی اصلی مردم

● پر نیا پزشکی

کارشناس ارشد ارتباط تصویری
و دکترای تخصصی تاریخ هنر



مطلبم را با طرح چند پرسش آغاز می‌کنم: آیا می‌دانید نقش تزیینات و هنر در زیباسازی فضای شهری چیست؟ آیا می‌دانید مردم و هنرمندان یک شهر، چه وظیفه بزرگی در برابر شهر و محله خود دارند؟ آیا می‌دانید که شهرهای جهان در حال رقابت برای رشد و توسعه کیفی زندگی شهری هستند و آیا می‌دانید چه تعدادی از طراحان و هنرمندان بزرگ جهان در زمینه زیباسازی و هنر آفرینی در فضای شهری مشغول بکار هستند؟ تأثیرات هنر و زیبایی‌شناسی بر روح و روان انسان‌ها نیز اهمیت بسیار دارد. همان گونه که در فضای خانه به تغییر رنگ دیوارها، نصب تابلوهای نقاشی، مجسمه و تزیینات اهمیت می‌دهید، فضای شهری هم برای آرامش و نشاط روحی شهروندان و تأثیرگذاری مثبت، نیازمند آثار فرهنگی، هنری و هویت بخشی است. شهر، تنها شامل بناها نیست، بلکه فضای بین ساختمان‌ها، کوچه، میدان، فضای سبز، عناصر پرکننده، حضور و همراهی مردم است که موجودیت شهر را می‌سازد و به آن بهامی‌دهد. مردم فعالیت‌های خود را در قالب سه پهنه زندگی، کار و تفریح در فضاهای عمومی انجام می‌دهند. چهره شهر مانند موزه و نگارخانه‌ای است که هر روز نمایشگاه آثار متنوع مردم و منظر تاریخ و فرهنگ تمدن بشری است. فضای شهر، محیط زندگی شهروند را تشکیل می‌دهد. بنابراین مدیران، طراحان و افراد متخصص باید محیط را به گونه‌ای تجهیز کنند که شرایط زندگی و زیست محیطی آن از "سطحی عالی" برخوردار باشد. امروزه شهرها مانند شرکت‌ها با هم به رقابت می‌پردازند: تلاش برای زیباتر شدن، کارآمد بودن و ارائه هویتی با ارزش، چرا که در این صورت قادر خواهند بود توجه جهانی، جذب گردشگر و بازار سرمایه و استعداد را به خود اختصاص دهند. در یک قرن اخیر، بارش روز افزون شهرنشینی و با توجه به پیامدهایی که صنعت و نوگرایی در زندگی شهری به همراه داشته است، شاهد از بین رفتن بسیاری از فضاهای ارزشمند شهری و شکل‌گیری شتاب زده و سنسجیده فضاهای عمومی کنونی در شهرها و در پی آن حضور پدیده حومه‌نشینی بوده‌ایم. فضاهای شهری ساری فقط به مسیر عبور و مرور تبدیل شده‌اند و کمتر در ابعاد اجتماعی پاسخگوی نیازهای انسان امروزی‌اند. در این میان فضاهایی که مکان آسایش عمومی باشند و باعث آرامش خاطر انسان شوند، نیز حذف شده‌اند. در حال حاضر، راندنگی به سرگرمی اصلی مردم ساری و سایر شهرهای استان تبدیل شده و پیاده‌روی یک هنر فراموش شده است. در حالی که در گذشته‌ای نه چندان دور، پیاده‌روی اصلی بود که معماران و طراحان اصیل بر مبنای آن به ساخت و ساز محیط و فضاهای دسترسی در فضای باز شهری می‌پرداختند. واقعیتی که تاکنون به درستی درک نشده این است که در تجهیز فضاهای عمومی و ارتقای کیفیت محیط، هیچ اقدام مؤثر و هوشمندانه‌ای صورت نمی‌گیرد مگر اینکه بر مبنای شناخت واقعیت باشد. شعار زیبای "شهر ما، خانه ما" هنگامی عینیت می‌یابد که شهروند، تأثیرات آن را در محیط مشاهده نماید. به عبارت دیگر، روابطی آشکار در عملکرد سازمان‌ها و مدیران شهری با زندگی شهروندان نمود پیدا کند. این امر با بهبود وضعیت کیفی و کمی پروژه‌های انجام شده در سطح شهر و نیز جلب مشارکت مردم در زمینه حفظ، نگهداری و مراقبت از اموال عمومی شهری صورت می‌پذیرد.

یادداشتی درباره حادثه شین آباد
آن بی آبرویی بزرگ!

بشاند، شرم از رخدادن فاجعه‌ای که جبران آن ممکن نیست. "آقای دامادی چطور جبران آن ممکن نیست؛ قول داده‌اند مدرسه نو برای شان بسازند! به بهترین بیمارستان ایران و مراکز درمانی خارج فرستاده شوند! هزینه‌هایش را وزیر می‌دهد تا ریال آخر! وی مهر تأیید بر سخنان نماینده پیرانشهر زده و می‌گوید: "شک نکنید اگر اتفاقی مشابه در کشور دیگری همچون کره، ژاپن و... رخ می‌داد وزیر مربوطه قطعاً تا امروز یا خودکشی کرده بود یا استعفا داده و کنار رفته بود اما در این سرا حکایت وارونه است. چرا؟" مطمئنم نماینده افتخاری دانش آموزان مصدوم شین آباد به این جای نامه که رسیده در دلش گفته است هر چه با دادا! ولی آقای دامادی، من کاری به مدرسه‌ای که فرزندان فلان وزیر وکیل و مدیر و خود شما هم در آن درس می‌خوانند ندارم، فاصله ملت و مسئولان را هم نمی‌خواهم مطرح کنم، حادثه چند ماه قبل کاروان راهیان نور و مرگ دانش آموزان دیگر هم باشد در لیست داغهای ایران، من اصلاً به آقای وزیر هم کاری ندارم. راستش را بخواهی اعتقادی به تقصیر وی در این ماجرا ندارم، وزارتخانه و وزیر را در ذهنم جدا کرده‌ام، او ۱۷۰ میلیارد تومان اعتبار را به کجای کشور برساند؟ هشدار و تأکیدات رهبر معظم انقلاب در مورد بی‌تدبیری مسئولان و توابعش را که به زیان ملت و نظام خواهد بود را هم یادم هست، حفظ آبروی نظام و ثبات در بهداشت روانی جامعه و گرفتن یقه مسئولان و وادار کردن وزیر و صغیر و کبیر و مدیر این مملکت و پیدا کردن واژه‌های پاسخگویی و عذرخواهی که به گفته شما در رویه سیاستمداران ما گم شده است باشد برای شما. گریه کردن برای بدن‌های سوخته دخترکهای ایران هم باشد برای پدر و مادرهای هم‌استانی من، شما از قول ما به نمایندگان این مردم که زمان انتخابات خنده بر لب و با سلام و صلوات کوچک پس کوچک‌های دوردست‌ترین و محروم‌ترین روستاهای صعب‌العبور با قدوم مبارک و با شعرهای رنگ و لعابدار حماسی شان تزئین می‌کنند بگویید: خدا نظاره‌گر همه چیز است، بگویید قرار بود صدای مردم محروم کشور باشید، سوگند خوردید که در برابر هیچ کاستی و اهمال و سوءمدیریتی ساکت نباشید، حتی به قیمت جان تان. اما مثل اینکه واقعاً سوگندها را خوردید. شما به مردم ایران قول دادید که اجازه ندهید بی‌کفایتی کسانی به نام مدیر و مسئول و رئیس، سرمایه‌های شان از بین برود و هزارها قول و سوگند. دیگر مردم من دیگر سرمایه‌ای بزرگتر از فرزندان شان ندارند، که امروز تکه‌های گوشت جزغاله شده بر روی تختهای بیمارستان هستند. همین طور است، آقای دامادی شما درست می‌گویید: "هنوز هستند کسانی در این سرزمین که به عنوان نماینده ملت به شما امیدوارند." به گفته خودتان نباید اجازه داد که «اعتماد عمومی بیش از این خدشه دار شود و سر سایر خدمتگزاران دلسوز کشور به دلیل کوتاهی عده‌ای اندک، پایین بیاید.»

نماینده پیرانشهر و سردشت در تذکر شفاهی و کتبی اعلام کرد: وزیر آموزش و پرورش باید استعفا دهد، این عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس داد می‌زد ایها الناس در هر جای دنیا اگر حادثی از این دست اتفاق بیفتد وزیر مربوطه استعفا می‌دهد، وزیر ما کجاست، عده‌ای هم گفتند نماینده دو شهر مرزی محروم را چه به این حرفها. وزیر که آنجا نبوده چرا فراقکنی می‌کنید چرا بنده خدا را مقصر می‌کنید، و اما نمایندگان دیگر مناطق کردنشین، بعضی هایشان احساس همدردی خود در حد یک جمله که مراتب تاسف و تالم خود را به گفته آنها از این "حادثه" اعلام می‌داریم، بسنده کردند، و نخواستند که وارد جزئیات شوند، تعدادی نیز ترجیح دادند که سکوت کنند اصلاً به آنها چه ربطی دارد که بگویند کی مقصر است و کی بی‌کفایت؟ کجای کار می‌لنگد، اصلاً مگر می‌لنگد؟ حادثه بوده، طبیعی مثل زلزله بم، دیده‌اش را تا ریال آخر بگیرند، ما که دوست نداشتیم این طور بشود، حالا که شده، ایمان تان به قضا و قدر کجا رفته؟! شاید هم بخاری مارک معتبر نبوده، نکند نفت تاریخ مصرف گذشته بوده، اصلاً شاید سرباید آب قاطی نفت کرده باشد ما چرا وزارتخانه را مقصر کنیم؟ شاید هم تقصیر باد بوده، می‌گویند پنجره‌ها باز بوده آتش را شعله‌ور کرده است، راستی نکند تقصیر بچه‌ها بوده، چرا لباس گرم نمی‌پوشند تا بخاری احتیاج نداشته باشند، اصلاً مگر پیرانشهر خودش نماینده ندارد؟ ما بهتر است به بررسی مسائل تخصصی، اقتصادی و سیاسی و اظهار نظر در مورد استراتژی‌های کلان و اصلی و مسائل مهم کشور و مبارزه با غول تهاجم فرهنگی بپردازیم، این کارهای کوچک و پیش و پا افتاده و نزاع‌های داخلی بماند برای نماینده ساری. به شما قول می‌دهم محمد دامادی، نماینده مردم ساری و میانرود در مجلس هرگز پیرانشهر و شین آباد و دخترک‌های مظلوم کرد این منطقه محروم مرزی و مردمان غیور مرددارش را ندیده است ولی مثل نماینده یک ملت در نامه‌ای سرگشاده مسئول وزارت آموزش و پرورش را به باد انتقاد گرفت. قول داد اگر عاملان این به قول او «بی‌آبرویی بزرگ» به صحن مجلس آورده نشوند و توضیح قانع‌کننده نداشته باشند، خودش «با حضور در دادگاهی صالحه از مسئولان ماجرا شکایت کرده و تا حصول نتیجه پیگیری آن خواهد بود». دامادی که دانش آموزان مصدوم شین آباد را برایش به کار ببرم، در نامه‌اش که به سران سه قوه ارسال کرده است، سوختن ۲۸ دانش‌آموز معصوم را این گونه وصف کرده است: «فاجعه صبح روز چهارشنبه تنی چند از معصوم‌ترین فرزندان این خاک در آتش بی‌خردی و بی‌مسئولیتی برخی به اصطلاح مدیران سوزانده آنچنان که دل هر انسانی از دیدن چهره‌های امروزشان بر تخت بیمارستان به درد می‌آید، دردی که باید عرق شرم را بر پیشانی همه دست‌اندرکاران این ماجرا

صبح روز چهارشنبه صدای پیمایی از گوشی موبایل شنیدیم. عجله‌ای برای خواندنش نبود هر روز به خاطر حرفه‌ام تازه‌ترین اخبار و حوادث از طرف همکاران و خبرنگاری‌ها در اسرع وقت به دستم می‌رسد، پیام را که دیدم خشکم زد، یکی از همکاران خبرنگار از پیرانشهر در خبری فوری نوشته بود، آتش سوزی در مدرسه شین آباد ۲۸ مجروح داد. او بعداً گفت از اولین کسانی بوده است که به محل آتش سوزی رسیده و همه چیز را به چشم خود دیده است، حتی بدن‌های تمام سوخته و نیمه‌جان دخترک‌های ۱۰ ساله را روی دست مردم که گریه‌کنان به آمبولانس و اتومبیل‌ها می‌رسانند شاید که زودتر به بیمارستان

● حلیمه ملایی

برسند و زنده بمانند. نزدیک‌های ساعت ۸ و نیم روز چهارشنبه ۱۵ آذر بخاری نفتی کهنه اتاق کلاس چهارم ابتدایی مدرسه انقلاب روستای شین آباد پیرانشهر آتش گرفت و منفجر شد. ۳۰ دختری که داخل کلاس بودند همه زخمی شدند بعضی‌ها تا ۷۰ درصد کل بدنشان دچار سوختگی شده است. سیران یگانه هم چند روز بعد درگذشت. شاهدان محلی و اولیای دانش‌آموزان می‌گویند بخاری نفتی غیر استاندارد کلاس که در حال خام‌سوزی بوده و نفت از آن سرریز کرده عامل آتش سوزی است. اگرچه مسئولان مربوطه انکار می‌کنند و می‌گویند: «بخاری مشکلی نداشت، نفتی بوده مثل صدها مدرسه دیگر این کشور» و «گاه‌ها نیز از کت و شلوارهای اتو کشیده دیپلماتشان کمی این طرف می‌آیند و ابراز تاسف و همدردی به رسانه‌ها و خبرنگاران تحویل می‌دهند. عصر همان روز وقوع حادثه با آتش‌نشانی پیرانشهر تماس گرفتیم. خودم را که معرفی کردم و سراغ مسئول عملیات امدادسانی و مدرسه انقلاب شین آباد را که گرفتم تا اسم خبرنگار آمد، راستش را کف دستم گذاشتند، «نقص فنی بخاری به دلیل خام‌سوزی دلیل آتش سوزی و انفجار بخاری بوده است. آنها گفتند که بخاری جلوی در ورودی کلاس آتش گرفته است و دانش‌آموزان نتوانسته‌اند خارج شوند و نرده‌های محکم، ضخیم و غیر استاندارد پنجره کلاس مزید بر علت شده و دانش‌آموزان را در میان شعله‌های دود و آتش بیشتر نگه داشت. اکنون ۱۶ دانش‌آموز مصدوم در بیمارستان امام خمینی ارومیه و ۱۲ نفر دیگر که وضعیت جسمی وخیم‌تری دارند در بیمارستان سینای شهر تبریز بستری هستند. حمیدرضا حاجی‌بابایی، وزیر آموزش و پرورش ایران، روز جمعه ۱۷ آذر، سه روز بعد از وقوع این آتش سوزی وحشتناک که من نمی‌خواهم اسمش را حادثه بگذارم، بالاخره یادش می‌افتد که حتی یک عذرخواهی خشک و خالی از قربانیان، خانواده‌های داغدار این دختران بی‌گناهی که تا آخر عمرشان باید حسرت بخورند و مردمی که او را وزیرشان می‌دانند، نکرده است. حق هم دارد این سه روز آخر هفته کلی کار سرش ریخته بود، هزار تا جشنواره و افتتاحیه و همایش و کنفرانس‌های جورواجور که وزیر هم باید صندلی‌های جلورامزین کند. وقتی نمی‌ماند، آخر شب هم که رسانه و خبرنگار خوابیده و دوربین ضبط تاسف‌ها خاموش است، بگذار جمعه همه ملت کنار بخاری‌های شان نشسته‌اند به عیادت می‌رویم. دکتر حاجی‌بابایی صبح جمعه همراه با تعدادی از همکارانش وارد تبریز شد و از وضعیت جسمی و بدنهای نیم سوخته دانش‌آموزان دیدن کرد. بعد هم سری به پیرانشهر زد و کلاس سوخته و دفتر و کتاب‌های پودر شده دخترک‌های را از نظر گذرانید که در آتش بی‌مسئولیتی و بی‌کفایتی مدیران مربوطه، صورتهای شان سوخته است. بعضی هایشان شاید دیگر چشمی برایش نمانده که به دفتر مشقش نگاه کند. و اما وزیر قول داد که مدرسه بهتری برای شان می‌سازد! شاید هم قول آقای وزیر چند سالی روی کاغذ بماند، یا احتمال دارد بودجه‌اش را مانند ۲ میلیارد تومان اعتباری که به گفته اسماعیل زاده، مدیرکل نوسازی مدارس استان آذربایجان سال قبل برگشت داده بودند گویا که هزینه کردنش لازم نبوده و همه چیز عالی است، دوباره برگشت بدهند. راست هم می‌گویند اینها که سوخته‌اند، توسعه فضای آموزشی می‌خواهند چکار! بعد از وقوع حادثه بلافاصله حضری،

ورزش ساری؛ پر از استعداد، دور از حمایت

و مدیریت باشگاه مشارکت می کنند و این اتفاق در صورت تحقق شرایط می تواند برای مرکز استان نیز صورت پذیرد.

با وجود داشتن استعدادهای ورزشی شهر ساری و چهره های جوانی چون روح الله عرب، رامین رضاییان، شیت رضایی و امید عالیشاه (فوتبال)، ملیحه فضلی و مارال اسدی (ووشو)، امید غلامی (والیبال)، محمدرضا براری (وزنه برداری)، محمود لطفی، جواد منتظر و طاهای مرتضوی (فوتسال)، میلاد کهنسال، راعد تیزکار و سعید سعیدی زند (تکواندو)، رحیم و رضا مومنی و محمدرضا فردوسی (اسکواش)، احمد اصغرپور، رضا و احمد جبرئیلی (دوچرخه سواری)، عطیه السادات رضایی و عالیه محمودی (ورزش معلولین)، عباس دباغی، تقی داداشی، آرش دنگسری، لطیف مومنی، جواد داداشی، مهدی یگانه جعفری و عباس گلی گرمستانی، هادی پورعلیجان، پویا حسینی، اصغر رودپشتی (کشتی آزاد) به عنوان چهره های برتر ورزشی که در سطح مسابقات ملی، بین المللی و جهانی دارای عناوین برتر می باشند اما شهر ساری تا کنون نتوانسته است در سطح لیگ های برتر، نمایندگان خود را به صورت منسجم و در تراز ورزش مازندران ساماندهی، جذب و به جامعه ورزش عرضه نماید.

در برخی از رشته های ورزشی نیز وضعیت پرورش استعدادها و تربیت تیم ها و ورزشکاران چندان رضایت بخش و مطلوب نیست. در رشته هایی چون بسکتبال، تیراندازی، پرورش اندام، کاراته، هندبال، جودو، دو و میدانی، ژیمناستیک، کشتی فرنگی، شنا، شیرجه، واترپلو و ... اقدامات موثر و سازنده و زیربنایی کافی صورت نپذیرفته است.

در رشته فوتبال، تیم صنعت ساری که زیر نظر اداره کل ورزش و جوانان استان مازندران و استقلال ساری که توسط بخش خصوصی اداره می شوند، با مشکلات متعددی مواجه هستند و نتایج ضعیفی را در رقابت های فصل جاری به دست آورده اند.

در گذشته نه چندان دور، شهر ساری به خاطر قطب بودن ورزش در شمال کشور، میزبان برگزاری مسابقات بین المللی جام های مشهوری چون جام جهانی کشتی و دهه فجر بود اما از این رویدادها در سال های اخیر خبری نیست.

با توجه به استعداد و توانایی شهر ساری، انتظار می رود مازندران، به خصوص شهر مرکز استان میزبانی رقابت های ورزشی معتبر را در سطح آسیایی و بین المللی و حتی جهانی به ویژه رقابت های دهه فجر قبول کند چون که مازندران همیشه میزبان شایسته ای بوده است.

در راستای حمایت و تقویت طرح توسعه ورزش ساری می توان باشگاه برنامه ریزان ورزشی را در مرکز استان راه اندازی کرد و با استفاده از توان ورزشکاران جدید و تجربیات ورزشکاران گذشته (پیشکسوتان) در سطوح مختلف، زمینه های ارتقای ورزش را در این شهر با سابقه و پیشینه غنی فرهنگی فراهم آورد.

تحقق این خواسته در صورت برنامه ریزی، تصمیم گیری و مشارکت مردم و مسئولان به ویژه اهالی ورزش با رویکرد علمی، فرهنگی و کارشناسی دور از دسترس نخواهد بود.



● حسین بزرگر
روزنامه نگار

بهبود وضعیت اعتبارات هزینه ای و تملک دارایی (سرمایه ای) بخش تربیت بدنی برای شهرستان ساری با توجه مرکزیت سیاسی - اداری و داشتن استعدادها و درخشان می تواند در راستای رعایت عدالت اجتماعی و برخورداری آحاد جامعه بخصوص شهروندان ساری از منابع و امکانات موجود کمک شایانی کند.

تقویت و حمایت از طرح توسعه ورزش در شهرستان ساری می تواند حوزه های ورزش همگانی، تفریحی، ورزش پرورشی، ورزش قهرمانی و ورزش حرفه ای شامل شود.

بررسی های انجام گرفته نشان می دهد مهم ترین موانع توسعه ورزش ساری عبارتند از: ۱- حمایت و پشتیبانی ضعیف و یا محدود از باشگاه های ورزشی و نحوه مدیریت تیم ها ۲- عدم رغبت و تمایل اندک سرمایه گذاران بخش خصوصی ۳- مشارکت ضعیف دستگاه های دولتی و بخش های عمومی در راستای حمایت از امر ورزش ۴- مهاجرت ورزشکاران ساری به خارج از شهرستان و استان.

در شرایطی که در گذشته نه چندان دور در شهر ساری با برنامه ریزی، نظارت و پشتیبانی سازمان های عمومی چون شهرداری، بانک ها و شرکت های وابسته به وزارت نیرو، جهاد کشاورزی و نیروهای مسلح تیم های شاخصی در عرصه رقابت های ورزشی در گستره ملی ظاهر می شدند اما اکنون در شهر ساری چنین روندی را در رقابت های لیگ های برتر در رشته های پر طرفدار به ندرت می بینیم.

حمایت شهرداری و شورای شهر (مدیریت شهری) از توسعه ورزش نباید مقطعی، گذرا و پراکنده باشد بلکه باید به صورت یک برنامه عملیاتی مدون و مستمر صورت پذیرد.

به نظر می رسد در این راستا تشکیل انجمن ورزشی برای توسعه ورزش شهر ساری مفید و موثر باشد. به گونه ای که بتواند کمک های خیران ورزش دوست را جلب و جذب کند. (چنین حرکتی در شهرستان بایلسر صورت گرفته است.

با راه اندازی این مجمع ورزشی مردم نهاد می توان در حوزه استعدادیابی و شناسایی چهره های فنی ورزشی نیز اقدامات موثری را انجام داد. مقرر شده بود که سالن ورزشی سرپوشیده به ظرفیت شش هزار نفر در اتوبان ساری - قائم شهر (ماهفرو جک) از محل اعتبارات سفر استانی هیات دولت به بهره برداری برسد اما چندین سال است که این پروژه عملاً مغفول مانده است. برخی از هیات های ورزشی استان مثل ووشو و والیبال به خارج از ساری انتقال داده شده اند و محل فعالیت آنها در شهرهای قائم شهر و بابل است. در راس هیات های ورزشی باید افرادی علاقه مند، متعهد، خلاق، برنامه ریز و توانمند قرار گیرند تا پروژه توسعه و تقویت ورزش شهر ساری مورد توجه و اهتمام لازم قرار گیرد.

در حال حاضر از بین شهرداری های استان مازندران تنها شهرداری های آمل و نوشهر است که در تیم داری

امروزه به موازات پیشرفت های تکنولوژیکی و صنعتی و استفاده از خدمات ماشین در فعالیت های جاری، شاهد شکل گیری جامعه ای کم تحرک و به تبع آن کاهش فعالیت های روزانه افراد هستیم.

تربیت بدنی و مراقبت از جسم، بخش مهمی از تعلیم و تربیت است که از طریق فعالیت های بدنی، جریان رشد را در تمام ابعاد وجودی انسان تسهیل می کند و موجب شکوفایی استعدادها می شود و به عنوان یک پدیده اجتماعی و به دلیل تنوع در کارکردها، اثرات متقابلی روی سایر پدیده ها دارد.

توسعه تربیت بدنی و ورزش، زمینه ساز تامین و تربیت نیروی انسانی سالم و بخشی از برنامه های توسعه ملی و متعاقب آن توسعه منطقه ای، بومی و محلی است؛ از این رو ورود ورزش به برنامه های توسعه کشور مستلزم رعایت همه جوانب، آثار و کارکردهای این پدیده است.

طرح جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش با رویکردهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تربیتی، بهداشتی و ... بر اساس مفاد قانونی برنامه سوم کشور تدوین شد.

انتظار می رود که این سند ملی با بهره گیری از نظرات متخصصان، کارشناسان و دست اندکاران ورزش و سایر حوزه های مطالعاتی در استان مازندران و به خصوص شهرستان ساری تحقق عملی و عینی یابد.

توجه به وضعیت اعتبارات ورزشی به خصوص در بخش عمرانی می تواند اجرای کامل طرح را کمک کند. ورزش به لحاظ موضوعی دارای دو ویژگی است. میان رشته ای بودن که از نظر علمی و کاربردی، رشته های علوم بهداشتی، علوم پزشکی، روان شناسی، جامعه شناسی، مدیریت، مهندسی و ... و تحت پوشش دارد و دیگری میان بخشی بودن ورزش است که سازمان ها، موسسه ها و بخش های مختلف جامعه را در بر می گیرد.

یکی از رویکردهای نوین طرح جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش می تواند از بین بردن فاصله در استفاده از امکانات موجود که موجب غنای فرهنگ ورزش در جامعه باشد و در آن صورت دارای پیامدها و دست آوردهای ارزنده ای خواهد بود: ۱- عمومی کردن ورزش ۲- علمی کردن تربیت بدنی ۳- توسعه ورزش قهرمانی در رشته های اولویت دار ۴- تمرکز امور سیاست گذاری و نظارت ۵- واگذاری امور تصدی به بخش غیر دولتی ۶- توسعه پژوهش و تحقیقات ۷- توجه جدی به امور تربیت بدنی و ورزش در مدارس و دانشگاه ها.

در این طرح باید تعامل سازمان ورزش با دستگاه هایی چون نظام آموزش عمومی و عالی، توجه به زیرساخت ها، نظام بهداشت و درمان و سلامت، جامعه زنان، کاهش وابستگی اعتباری ورزش به درآمدهای نفتی، توجه کافی به هزینه کرد منطقی اعتبارات ورزشی، توجه لازم به هیات های ورزشی و همینطور فراهم کردن بسترهای مناسب برای تقویت بعد پژوهشی ورزش ضروری است.



به عنوان مثال با زنی از خانواده محترم روستایی و از دوستان نزدیک بابت نگرانی هایش صحبت کردم، او گفت: "همسر بدون توجه به اینکه ما چه نظری داریم باغ و زمین روستای مان را به اولین مشتری تهرانی واگذار نمود و بهانه او رضایت و خوشحالی بچه ها بود و امروز که نزدیک به یک سال از آن ماجرا گذشته، هم ما و هم بچه ها دلمان برای فضای روستا و زمین های آماده برای کشت و صدای پرندگان و هوای سالم و ... تنگ است و دیگر بچه های مان نه تنها برای دیدن شهر و مظاهر صنعتی آن هیچ انگیزه ای ندارند بلکه شدیداً متاثر از این جابجایی و نقل مکان هستند و با دیدن اقوام و بستگان و یا بچه های فامیل که از روستا می آیند ناخودآگاه پشیمانی خود از این مهاجرت را نشان می دهند. من شاهد افسردگی و گریه های گاه و بی گاه آنها بوده ام."



• لیلا مشفق

کار زنان کشورمان هرگز آن طور که باید دیده نشده است اما نقش انکار ناپذیر آنان در رشد و شکوفایی اقتصادی، فرهنگی همیشه خود را به عنوان یکی از محورهای مهم توسعه نشان داده است. مردمان استان های شمالی که پهنه کشاورزی و باغداری و ... را به عنوان مهم ترین سرفصل اقتصادی می شناسند، ایمان دارند که هرگز بدون حضور فعال زنان و دختران در عرصه تولید محصولات کشاورزی این مهم دست یافتنی نبوده و نیست.

سال های نه چندان دور که زمین بود و دست های پینه بسته کشاورزان شمالی، این نقش ها پررنگ تر می نمودند، چرا که با چشم خود می دیدیم، زنان در حالی که کودکی را بر دوش داشتند نشاء، و چین و درو می کردند، با دستان خود سبزی می کاشتند و مرغداری کوچک خانگی را برای تامین نیازهای خانواده اداره می کردند و به تولید می رساندند.

استاد محمد علی کاظمی - سراینده منظومه ماندگار «چکل» - در بخشی از این اثر ماندگار می نویسد:

مازنی زنان زحمت دور / وشون خسته تن، محنت دور
شه جان مردی دوش برار / گره سر نخواتن، عزت دور ...
بینج ها کردن مگه انده انده کاره / تروک تا ونه بوسه اماره ...



عکس: مازندنومه، بهروز خسروی

عرصه کشاورزی و دامداری، باغداری و ماکیان و مرغداری و حتی نوغانداری، و باید اضافه کنم ریسندگی و بافندگی و ... شغل های موثری بودند که مستقیماً توسط زنان مقاوم و صبور این منطقه دایر و اداره می شدند و امروزه هم بخشی از کار روزانه آنهاست که افزون بر آنها باید تحصیلات و زندگی شهری و صنعتی را نیز با شرایط خود تطبیق داده و نگذارند عوارض ناشی از آن گریبان زندگی و تولیدات کشاورزی را بگیرد.



عکس: مازندنومه، محمد حسین ملایی کندلوسی

زنان مازنی نه تنها خود را با مشکلات جدید روبرو ندیدند، شرایط موجود را امکانی برای پیشرفت دانستند و دیدیم که تعداد پذیرفته شدگان دانشگاه و فارغ التحصیلان مراکز آموزشی به نسبت هر سال افزایش یافته و کیفیت تحصیلی آنان نیز به اعتراف متخصصین قابل توجه است، اما باید اذعان داشت که در بعضی مواقع سهل انگاری ها موقعیت ها را سوزانده و ممکن است دیگر فرصت های بعدی فراهم نشود.



عکس: مازندنومه، استاد احمد طاهر پور

یادداشت میهمان

شهر زیر آب
هنر ماست مالی!

• محمد اتقائی



نقل شده است هنگام عروسی محمد رضا شاه پهلوی و زن مصری اش فوزیه در سال ۱۳۱۷ به سبب گذر مهمانان مصری و همراهان عروس به وسیله راه آهن جنوب به تهران، از طرف دربار و شهرتانی دستور اکید صادر شده بود که دیوارهای تمام دهات های مجاور راه آهن را سفید کنند. در یکی از دهات چون گچ در دسترس نبود، بخشدار دستور می دهد که با کشتک و ماست که در آن ده فراوان بود دیوارها را موقتاً سفید کنند و به این منظور با پولی که از کدخدای ده می گیرند و با خرید مقدار زیادی ماست کلیه دیوارها را ماست مالی کردند و ماجرای این ماستمالی مدت ها موضوع اصلی شوخی های محافل و مجالس بود!

با این مقدمه به سراغ موضوعی می رویم که برای شهروندان شهرهای شمالی مشکلی دست و پا گیر است. استان های شمالی ایران به علت شرایط آب و هوایی و موقعیت جغرافیایی، دارای میزان بارش زیادی هستند، از این رو در مناطق شهری به علت آنکه اکثر سطوح شهر دارای روکش آسفالتی است و دارای ضریب نفوذپذیری کمی می باشد، شاهد جاری شدن رواناب ناشی از بارش باران در کوچه ها و خیابانها می باشیم که این موضوع مشکلات جدی برای شهروندان ایجاد کرده است. نخستین راهکارهایی که برای حل این مشکل توسط مدیران شهری پیشنهاد و اجرا شد، استفاده از چاه های جذبی در کوچه ها و معابر بود که بدین ترتیب تقریباً در هر کوچه یک چاهی تقریباً عمیق حفر شد و روان آب ناشی از بارش با شیبی که برای کوچه تعبیه شده بود به این چاه ها هدایت می شد. پس از سالها بنا بر هر علتی، این چاه ها نتوانستند آب های سطحی را به خود جذب کرده، بنابراین آن قسمت از کوچه ها و خیابان هایی که در پایین دست قرار داشتند دچار آب گرفتگی شدند. این امر نه تنها سبب اختلال در تردد شهروندان شد بلکه سیمای شهر را به شدت تخریب کرد. پس از این مشکل شهرداری تصمیم گرفت این روان آب را به هر صورتی از این مناطق دور کند تا بعداً چاره ای بیندیشد، بنابراین در آن کوچه هایی که دارای چاه هایی بودند که نمی توانستند آب های جذبی را به خود جذب کنند، سیستمی تعبیه شد که آب وقتی در چاه ها به سطح مشخصی رسید توسط موتور پمپ هایی که در آنها قرار داده شده بود، پمپاژ گشته و توسط لوله هایی که پس از عملیات کنده کاری به جوی های کنار خیابان اصلی متصل بود، هدایت می شد. این سیستم که شباهت زیادی به سیستم (Pond Underground Detention) دارد در چاه هایی به کار می رود که دفع روان آب سطحی چاره ای جز این ندارد و بیشتر جنبه مدیریت بحران به خود می گیرد. حال آن روزی تصور شود هنگام بارش شدید باران، برق مناطق هم قطع شده و موتور پمپ هایی که به وسیله جریان برق فعالیت می کنند، نتوانند پمپاژ کنند! تصور شود روزی این موتور پمپ ها به هر علتی از کار بیفتند و تا زمانی که تعمیر شوند در کوچه ها و معابر چه اتفاقی می افتد؟! این مشکلات با اعزام یک گروه نقشه بردار به مناطق جهت تعیین شیب مناسب و اصلاح شیب بندی کوچه ها و معابر قابل رفع است. از این رو با شیب مناسب می شود روان آب را به جوی های اصلی و سپس به کانال های اصلی که به رودخانه ها متصل هستند، هدایت کرد. هر چند مناطقی وجود دارند که سطح آن محله از خیابان های اصلی پایین تر است، لذا پس از هدایت تمامی روان آب یک محله به یک نقطه و سپس با نصب موتور پمپ مناسبی که قابلیت انتقال دبی مناسب باشد، می توان مشکل آن را هم برطرف کرد؛ یعنی نصب آن همه موتور پمپ ها در کوچه ها، به مانند حفر چاه ها در سال های قبل، شباهت بسیاری با داستان ماست مالی که در ابتدا اشاره شد، دارد. باید یادآور شد که عملیات نصب و نگهداری این سیستم ها که در کوچه ها نصب شده هزینه بالایی در بردارد و چنانچه این هزینه ها برای یک گروه مهندسی مشاور می شد، شاید هزینه ای کمتر از این برای شهرداری در پی داشت. به امید آن روزی که مدیران مرتبط با مسائل شهری به خوبی توجه شوند که به کارگیری مهندسان مشاور جهت مطالعات یک پروژه هزینه نیست، بلکه سرمایه گذاری است و کارهایی که اصولی و مهندسی طراحی و اجرا نشوند، مطمئناً نتیجه مطلوبی نخواهند داشت.



عکس: مازندنومه، مصطفی کاظمی

از میان نویسندگان و شاعران و هنرمندان و زنان موفق مازنی که تاکنون با آنها گفتگو کرده و با نقطه نظراتشان آگاه شده ایم، هرگز لحظاتی چنین غم انگیز را شاهد نبودم. در واقع سوال من این است زانی که دوشادوش و گاه حتی پیشاپیش مردان خود در جهت رشد خانواده گام بر می دارند، چرا در تصمیمات اساسی زندگی نادیده گرفته می شوند؟

مگر نه این است که زنان از دیر باز با صداقت و پشتکار و هوش بالای خود توانسته اند در زندگی نقش ارزشمندی را ایفا کنند؟ پس به چه دلیل باید از مشورت ها دور بمانند؟



عکس: مازندنومه، محمد حسین ملایی کندلوسی

مطمئن هستم که مشارکت همه جانبه در زندگی، بی گمان آسیب های کمتری را به پایه های خانواده خواهد زد، لطماتی که از تصمیم گیری های خودمحورانه منتج می شود.

شاید این مطلب جای مناسبی برای بحث های تخصصی پیرامون چنین معضلی نباشد اما امیدوارم بتواند تلنگری باشد برای اینکه کمتر شاهد بغض هایی از این دست باشیم.





آیا اتفاق زمستان ۸۶ بار دیگر تکرار می شود؟

سوخت رسانی زمستانی

جنوبی نیست. در حقیقت جلوی ربودن ثروت مان را می گیریم. چون واقعا ثروت ما را چپاول می کنند. وقتی جلوی این چپاول را بگیریم، بیشترین راندمان ممکن در کشور را دارد. البته همه میدان های مشترک این وضعیت را دارند، اما اولویت پارس جنوبی از بقیه بیشتر است چون مهاجرت گاز از نفت بیشتر است و شریک ما هم به صورت عجیبی در حال سرمایه گذاری است. کسانی که در دولت هستند با اعداد و ارقامی که من آشنایی دارم، آشنا هستند و اگر کاری نمی کنند، حتما توان ندارند. ولی بعید است کسی در راس هرم وزارت نفت قرار بگیرد و متوجه این نکته نباشد و همه همت اش را برای این منظور به کار نبرد. این در حالی است که چندی پیش معاون وزیر نفت از آمادگی بخش بالادستی صنعت نفت برای تولید حداکثری گاز در زمستان امسال خبر داد. احمد قلعه بانی در این باره گفت: برای تامین سوخت زمستانی تمهیدات لازم اندیشیده شده و با هماهنگی شرکت ملی گاز تعمیرات اساسی پالایشگاه های گاز که آخرین پالایشگاه خانگیان بود، انجام شده است. مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران تصریح کرد: با توجه به پایان یافتن بخش عمده تعمیرات اساسی در پالایشگاه ها و مناطق عملیاتی انتقال گاز، برای ورود به نیمه دوم سال و گذر از فصول سرد آن آمادگی مطلوب ایجاد شده است. وی درباره روند تولید گاز برای تامین سوخت در کشور گفت: امسال نیز مانند سال گذشته در زمینه تولید گاز غنی در بخش بالادستی آمادگی داریم نیازهای مصرف کنندگان را پاسخ دهیم. مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران با تاکید بر تامین به موقع سوخت مورد نیاز نیروگاه های کشور به شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی گفت: نیروگاه ها علاوه بر گاز، از سوخت مایع (نفت گاز و نفت کوره) به عنوان سوخت دوم استفاده می کنند و در زمستان با توجه به افزایش مصرف گاز در کشور، سوخت مایع بیشتری به عنوان جایگزین به نیروگاه ها تحویل داده می شود و در مقابل بخش زیادی از گاز تولیدی برای مصرف بخش خانگی، کارخانه ها و صنایع اختصاص می یابد. مدیر عامل شرکت ملی گاز ایران نیز پیش تر با بیان این که اقدام های لازم در زمینه تامین و انتقال گاز مورد نیاز کشور در زمستان شده است، گفته بود: لوپ های جدید بین خطوط انتقال ایجاد و پنج ایستگاه تقویت فشار راه اندازی و هماهنگی لازم با بخش های مختلف برای تامین گاز مورد نیاز مردم در زمستان شده است. در پایان می توان به این نکته توجه کرد که در اینکه زمستان سختی در پیش است، اختلاف نظری بین کارشناسان وجود ندارد و در اینکه وزارت نفت و نیرو تلاش می کنند تا مشکلات از میان برداشته شود، شکی نیست اما همه اینها در حالی است که همانند سال های گذشته در خطوط گاز ترکمنستان به ایران اختلالی ایجاد نشود، ترکمنستان گاز صادراتی اش به ایران را قطع نکند، خط لوله صادراتی ایران به ترکیه برای چندمین بار منفجر نشود، ایستگاه های تقویت فشار مناطق شمال و شمال غرب از کار نیفتند و ...

منبع: گروه مجلات همشهری

۶۹ ایستگاه تقویت فشار در کشور برای تولید و انتقال گاز فعال است و با تکیه بر توان داخل، تجهیزات مربوط به این صنعت به کوشش متخصصان ایرانی راهبری می شود. این خبر خوبی است، به شرط آنکه بالادست گاز نیز کاملاً مهیا شده باشد که متأسفانه از سال ۸۸ تاکنون هیچ یک از فازهای پارس جنوبی به بهره برداری نرسیده اند. این در حالی است که هنوز گازی از بخش دریایی همان فازهای ۹ و ۱۰ که در آن سال به صورت رسمی افتتاح شد، به خط لوله های انتقال وارد نشده است. سید کاظم وزیر ویرا همانه چندی پیش با اعلام اینکه فازهای ۹ و ۱۰ در زمان وزارت وی ۸۰ درصد پیشرفت داشته، گفت: ما هم با آقای وزیر همنا می شویم و می گویم انشاء الله که می شود! وی معتقد است: وقتی قوی ترین شرکت های خارجی کمتر از ۵۴ ماه نتوانستند این کار را انجام دهند، خودشان هم می دانستند که ۳۵ ماه شدنی نیست و به ویژه در شرایط فعلی کشور تنها در حد شعار است. چون ساخت داخل زمان برتر است و کارهای زیادی باید روی آن انجام شود. ولی به هر حال چون همتی شده و بنیاد است که توسعه پارس جنوبی و بقیه کارهای نفتی را پیش ببریم، و شعار «ما می توانیم» را عملیاتی کنیم، دعا می کنیم این طور شود. وزیر اسبق نفت ایران درباره زمان افتتاح فازهای ۹ و ۱۰ این طور اظهار نظر کرد: این را باید از مدیران فعلی پرسید. ما که در حاشیه هستیم و تماشاچی هستیم.



شرایط فعلی با گذشته تغییر کرده است. آقای وزیر که هر هفته و هر ماه سفر می کند، اطلاعات دقیق تری دارند. به گفته او، پارس جنوبی اولویت اول کشور است. «از نظر من به عنوان یک نفتی، یک ایرانی و یک کارشناس، چه زمانی که در دولت بودم و چه وقتی در حاشیه قرار گرفتم، فکر می کنم هیچ پروژه ای در کشور بازگشت سرمایه اش به اندازه پارس

هر چند که مسئولان صنعت برق کشور بارها و بارها به شکل های مختلف اعلام کردند که در صورت عدم پرداخت بدهی های دولت به بخش خصوصی، خاموشی هادور از انتظار نیست، اما پرداخت ۹۰ درصد از این بدهی ها در ماه گذشته، هنوز هم احتمال خاموشی ها را به صفر نرسانده است. نگرانی ها را باید در آنجا جست و جو کرد که بیشتر خاموشی هادر فصل زمستان روی خواهد داد و علت آن در درجه اول عدم تامین سوخت مناسب نیروگاه ها از سوی وزارت نفت است. هر چند در سال های گذشته حتی در سردترین روزها که روزهای پیک مصرف گاز در کشور بود، سوخت مایع نیروگاه ها تقریباً به شکل کامل تامین شد، اما این همه ماجرا نیست.

علی ذبیحی قائم مقام وزیر نیرو چندی پیش به طور رسمی خطر وجود خاموشی ها را تایید کرده و گفته بود: «هر چند بدهی به بخش خصوصی با استفاده از ظرفیت های قانونی پیش بینی شده در قانون بودجه سال های ۹۰ و ۹۱ کاهش خواهد یافت، اما به هر حال عدم توانایی پرداخت صورت وضعیت های بخش خصوصی توسط صنعت برق، عملاً سبب کاهش توانایی های بخش خصوصی در احداث تاسیسات جدید خواهد شد و چنانچه رشد باز مورد نظر در برنامه های پنجم و سند چشم انداز ۲۰ ساله محقق شود، به دلیل عدم رشد سرمایه گذاری در صنعت برق متناسب با رشد در نظر گرفته شده، احتمال محدودیت برق - برنامه ریزی شده یا غیر برنامه ریزی شده - در مواقعی از سال دور از انتظار نیست. بنابراین در پیش بینی دورنمای کشور، نیاز به وضع قوانینی برای حمایت از صنعت برق وجود دارد که یکی از آنها می تواند اصلاح بهینه مصرف برق در مصارف خانگی، صنعتی و ... باشد. بدیهی است با استمرار قانون هدفمندی یارانه ها به قیمت تمام شده برق خواهیم رسید. در سال جاری تاکنون نزدیک به ۱۰ درصد رشد پیک و حدود ۶ درصد رشد انرژی برق روی داده که اگر این رشد به همین منوال ادامه پیدا کند، ممکن است در تابستان ۹۲ با مشکل تامین برق در اوج مصرف روبه رو شویم. بنابراین لازم است مصرف کنندگان برق خود را مقید به صرفه جویی کنند تا مشکلی پیش نیاید.» همایون حائری مدیر عامل شرکت توانیر نیز صحبت های قائم مقام وزیر نیرو را تایید کرده و اعلام کرده بود: «شرکت توانیر سالانه برای پوشش مصرف باید ۴ تا ۵ هزار مگاوات ظرفیت جدید ایجاد کند. در پروژه هایی که تحت عنوان «مهرماندگار» نام گرفته اند، ۱۲ هزار و ۱۲۴ مگاوات ظرفیت پیش بینی شده که اگر این پروژه ها به موقع انجام شود و تامین نقدینگی هم مشکلی نداشته باشد، خاموشی نخواهیم داشت. اما در صورتی که مشکلات مالی وجود داشته باشد، قاعدتاً دچار مشکل خواهیم شد. بنابراین لازم است منابع مالی لازم را تامین کرده و به مرور وارد مدار تولید کنیم.»

تولید گاز در گرو فروش میعانات گازی

مرداد ماه امسال بود که مجید نامجو اعلام کرد اگر تدابیر لازم از هم اکنون در نظر گرفته شود، می توان انتظار داشت که تولید نیروگاه ها در زمستان امسال از ضرب اطمینان بالایی برخوردار باشد و برق مورد نیاز مردم به موقع تامین شود، اما آن طوری که به نظر می رسد، تدابیر لازم اندیشیده نشده است. برای اثبات این ادعا هم می توان به فازهای جدید میدان عظیم گازی پارس جنوبی اشاره کرد که هنوز بخش دریایی آنها پیشرفت قابل توجهی نداشته و هر روز که می گذرد، دستیابی به موفقیت در فازهای ۳۵ ماهه را از ذهن دورتر می کند. با توجه به اینکه فرهنگ مصرف روز به روز در کشور مصرفی تر (!) می شود، نباید انتظار داشت که با کاهش مصرف با افزایش مداوم مصرف کنندگان بخش خانگی مواجه شد. بنابراین به نظر می رسد همانند ۲۰ سال گذشته امسال هم تراز گاز در کشور منفی باشد و مصرف دوباره گوی سبقت را از تولید برآید. همین که تولید همگام با مصرف رشد نمی کند، حاکی از آن است که تامین گاز زمستانی با چالش مواجه خواهد بود. نکته قابل توجه دیگر این است که شرایط نامساعد سیاسی کشور به گونه ای است که مشتریان سابق میعانات گازی کشور نمی توانند همانند سابق از ایران میعانات خریداری کنند. با توجه به اینکه ظرفیت مخازن موجود در جنوب کشور نیز محدود است، امکان تولید بیش از یک رقم مشخص میسر نیست و همین امر نگرانی های قابل توجهی را برای کارشناسان حوزه انرژی ایجاد کرده است. از طرف دیگر، شنیده ها حاکی از این است که وزارت نفت از وزارت نیرو خواسته تا نیروگاه ها در زمستان سال جاری از سوخت مایع استفاده کنند تا اتفاقی که در زمستان ۸۶ روی داد، بار دیگر تکرار نشود. اما مدیران نیرو نیز معتقدند استفاده پیوسته از مازوت در نیروگاه ها تهدیدات جدی برای تاسیسات آنها ایجاد می کند؛ به طوری که تعمیرات اساسی آنها پرهزینه تر و طولانی تر شده و وزارت نفت در مقابل چند برابر شدن هزینه های آنها مسئولیتی ندارد.

می گویند هماهنگی های لازم انجام شده است

همه اینها در حالی است که بر اساس آخرین اعلام شرکت ملی گاز ایران، ۱۳ پالایشگاه، ۲۰۰ هزار کیلومتر خط انتقال اصلی و فرعی و

گزارش حضور شهردار و سخنگوی شورای شهر ساری در جلسه هیئت مدیره مجمع خیران ماهک پایگاهی برای کودکان سرطانی نداریم

بیان اینکه این موضوع را از طریق محاکم قضایی پیگیری کردیم اما ممکن است تا رسیدن به نتیجه، زمان بر شود، افزود: زمین دیگری در این محدوده قرار دارد که متعلق به شهرداری است و اگر شهردار اجازه دهد می توانیم فعلا از این مسیر، برای تردد کامیون ها استفاده کنیم.

ما هم کوتاهی نمی کنیم

شهردار ساری در این نشست اظهار داشت: امروز کارهای ما منتج به نتیجه دنیایی می شود اما احداث این مرکز، امری اخروی است. مهدی عبوری تصریح کرد: آنچه که شهردار قبلی برای کمک به این مجموعه انجام می داد به قوت خود باقی است و ما هم کوتاهی نمی کنیم. وی افزود: برای کمک به ماهک، تفاهم نامه و سنگ بنایی در شهرداری ایجاد می کنیم تا فردا چه من در شهرداری باشم و یا فرد دیگری در این مسند باشد، کمک ها به ماهک قطع نشود. عبوری با ابراز خرسندی از اینکه در نقشه احداث بیمارستان ماهک، فضایی هم برای اسکان خانواده بیماران در نظر گرفته شده است، خاطرنشان کرد: توجه به این بخش، بسیار حائز اهمیت است. شهردار ساری در رابطه با مشکل راه دسترسی زمین بیمارستان ماهک، گفت: موضوع را به شهردار منطقه سه ارجاع داده و خودم هم شخصا پیگیری می کنم.

شهردار در این مسیر قرار دارد

عضو شورای شهر ساری در این نشست طی سخنانی اظهار داشت: افراد آسیب پذیر جامعه، نیاز به کمک ما دارند. جمال باقری یادآور شد: نگرش شهردار ساری در این بخش ها، بسیار جلوتر از ما است. وی با بیان اینکه نیاز نیست تلاش کنیم که شهردار را به سمت کارهای این چنینی سوق دهیم، اضافه کرد: شهردار در این مسیر قرار دارد. سخنگوی شورای شهر ساری، ادامه داد: با احداث بیمارستان کودکان فوق تخصصی کودکان مبتلا به سرطان ماهک، به راحتی می توانیم شمال کشور را زیر پوشش قرار دهیم.



یاربگر این مجموعه باشند.

هنوز افرادی هستند که نمی دانند ماهک چه رسالتی دارد

نائب رئیس مجمع خیران ماهک در سخنانی گفت: دغدغه اصلی ماهک، اطلاع رسانی و آگاه سازی مردم از اجرای این پروژه است. مجتبی کواکبیان اظهار داشت: خیران به این مجموعه کمک می کنند اما هنوز بسیاری از افراد در جریان روند احداث بیمارستان کودکان سرطانی نبوده و نسبت به این موضوع آگاهی ندارند. وی با بیان اینکه رسانه های استان اعم از مجازی، مکتوب، تصویری و شنیداری در روند اطلاع رسانی فعالیت های این مجموعه، ما را یاری کردند، افزود: هنوز افرادی هستند که نمی دانند ماهک چه رسالتی دارد. کواکبیان با اشاره به اینکه ماه گذشته دومین عامل مرگ و میر در مازندران پس از تصادف، سرطان اعلام شد، تصریح کرد: می طلبد که چنین مرکزی در استان دایر شود.

راه عبور نداریم

دبیر مجمع خیران ماهک در این جلسه اظهار داشت: راه دسترسی به زمین احداث این بیمارستان، از درون بیمارستان بوعلی سینا است. رضا شهریاری، تصریح کرد: راه دسترسی دیگر این مرکز، در قسمت پشت زمین است که دو خانواده در این محدوده، با دیوار کشی بر روی یک قطعه زمین، مانع عبور کامیون های ما شده اند و اکنون راه عبور نداریم. وی با

عضو هیئت مدیره مجمع خیران ماهک در این نشست اظهار داشت: مشکل سرطان از زمان جنبی می تواند شروع شود و هضم این موضوع برای خانواده ها مشکل است.

سید عبدالله موسوی با اشاره به اینکه سرطان در کودکان، تبعات اجتماعی بسیاری دارد، ادامه داد: هنوز جامعه، کودکان سرطانی را مانند یک بیمار ساده تصور می کنند در حالی که نیاز کودکان سرطانی کاملا متفاوت است. وی با بیان اینکه اغلب این خانواده ها از قشر کم بضاعت جامعه هستند، متذکر شد: متأسفانه سازمان های بیمه گر هزینه داروی شیمی درمانی را قبول نمی کنند چرا که این دارو خارجی و گران است.

موسوی با اشاره به اینکه با احداث بیمارستان فوق تخصصی کودکان مبتلا به سرطان، تصمیم داریم به این بچه های فراموش شده کمک کنیم، گفت: در شمال کشور، هیچ پایگاهی برای کودکان سرطانی نداریم. وی اظهار داشت: اگر خدمات اجتماعی را در کنار خدمات درمانی برای کودکان سرطانی داشته باشیم، روند درمان بهتر صورت می گیرد. موسوی با اشاره به اینکه ارائه نشدن خدمات اجتماعی به این بیماران، حلقه مفقوده ای است، خاطرنشان کرد: وزارت بهداشت و سازمان بهزیستی این بخش را بر عهده نمی گیرند و باید کمک کنیم تا این حلقه جدا شده، متصل شود.

پروژه ای فرا استانی و ملی

رئیس مجمع خیران سلامت مازندران در این نشست گفت: احداث مرکز طبی کودکان سرطانی که نخستین مرکز در شمال کشور است، پروژه ای واقعاً فرا استانی و ملی است. فرزاد گوهردهی ادامه داد: احداث این مرکز نیازمند همت جمعی و مساعدت همه دستگاه های دولتی و غیر دولتی است. عضو مجمع خیران ماهک با اشاره به اینکه شهرداری و شورای شهر ساری تاکنون کمک های فراوانی به مجمع خیران ماهک داشته اند، تصریح کرد: می خواهیم مانند گذشته همچنان

در گفت و گو با داور جشنواره تئاتر معلولان منطقه خزر مطرح شد

به ما می گفتند دیوانه!

به زودی جشنواره تئاتر معلولان منطقه خزر در ساری برگزار می شود. با دکتر کمال الدین شفیعی - داور این جشنواره - گفت و گو کردیم. هدف از برگزاری جشنواره تئاتر معلولان چیست؟ نخستین جشنواره تئاتر معلولان منطقه خزر در شهرستان بابل برگزار شد و اگر چه نواقصی داشت اما در عین حال بسیار باشکوه بود.

عزت الله انتظامی با دیدن

تئاتر معلولان اذعان داشت

که در مقابل بازی این افراد،

من بازیگر نیستم

سوئدی ها با دیدن تئاتر

معلولان ما، ابراز شگفتی

کرده و باورشان نمی شد که

اینها معلول هستند

اوایل برخی هنرمندان به ما

می گفتند دیوانه، مگر معلول

هم می تواند بازی کند؟

مهم ترین اصلی که برای ما در این جشنواره مطرح است، نگرش مردم عادی به معلولان است. اگر برای جشنواره آثاری را انتخاب کنیم که از ناتوانایی ها حرف بزنند، خوب نیست، باید نگاه درست به معلول را جانشین نگاه ترحم آمیز کنیم. نباید نگاه آنگونه باشد که معلول ناتوان است، یکی از گرفتاری های ما این است که به توانایی مغزی آدم ها کمتر ارجح می گذاریم. در تئاتر معلولان به بروز توانایی های خفته در درون معلولان و بازیابی آن توجه می کنیم، هر فردی که کار تئاتر معلولان را می بیند متعجب می شود.

در جشنواره تئاتر معلولان در کرمانشاه، معلولان تئاتری را اجرا کردند که در اروپا هم به دنبال آن اثر نمی روند، عزت الله انتظامی با دیدن تئاتر معلولان اذعان داشت که در مقابل بازی این افراد، من بازیگر نیستم.

در جشنواره ترحم نداریم، آثار خوانده می شوند و اگر از نظر هنری و علمی، درست باشد، آن اثر را برای اجرا گزینش می کنیم. از سال ۸۲ تا سال ۸۶ در رابطه با جشنواره تئاتر معلولان، سه جشنواره بین المللی داشتیم که از کشورهای لهستان، سوئد، اوگاندا، ارمنستان و آذربایجان حضور داشتند، یکی از شگفتی های این جشنواره این بود که سوئدی ها با دیدن تئاتر معلولان ما، ابراز شگفتی کرده و باورشان نمی شد که اینها معلول هستند. می گفتند ما هم در سوئد تئاتر معلولان داریم اما این گونه که شما کار می کنید واقعا بی نظیر است.

متون ارائه شده به دبیرخانه جشنواره در چه سطحی است؟ بعضی از متن ها خیلی خوب هستند، بعضی متون هم سطح پایینی دارند که قرار است برای ارتقای سطح نمایشنامه نویسی در این جشنواره ها، کارگاه های آموزشی نمایشنامه نویسی برگزار کنیم. آنچه به چشم می آید ضعف نمایشنامه است و در راستای بازیگری، ضعف کمتری داریم.

یعنی نمایشنامه نویسان کمتری به این سمت کشیده شده اند؟

نمایشنامه نویسان ما توجهی به این مسائل ندارند، با تمام تلاش ها نتوانستیم آنها را به کارگاه ها بکشانیم و شاید از نظر آنها جشنواره تئاتر معلولان محلی از اعراب ندارد. تلاش می کنیم به معلولان آموزش دهیم که خودشان برای تئاتر معلولان نمایشنامه بنویسند.

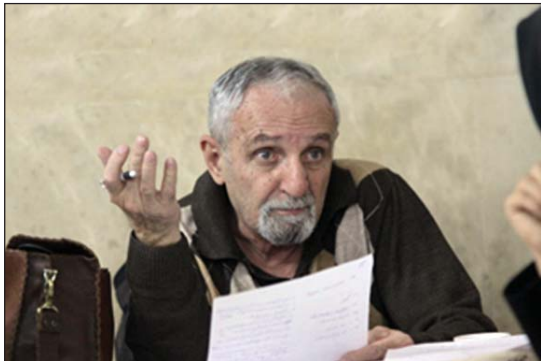
وضعیت تئاتر معلولان در استان ها چگونه است؟ اصلا نمی شود مقایسه کرد چون همه به نوعی کار می کنند. در برخی استان ها متوجه شده اند که چگونه در زمینه معلولان فعالیت کنند و برخی استان ها هنوز متوجه این قضیه نشده اند. برگزار کنندگان جشنواره خزر بیشتر متوجه قضیه شده اند و این برای ما بسیار خوب است.

فعالیت شما در عرصه تئاتر معلولان با چه مسائلی مواجه بود؟

اوایل برخی هنرمندان به ما می گفتند دیوانه، مگر معلول هم می تواند بازی کند؟ این صحبت ها مربوط به جشنواره اول است. اما در جشنواره دوم وقتی کارها را دیدند تعجب کردند که چطور آقای انتظامی و دکتر صادقی هم در کنار ما هستند. پس از آن بود که هر کدام مراجعه می کردند و می گفتند ما چه کاری می توانیم برای شما انجام دهیم. به آنها پاسخ دادم شما نمی توانید با ما دیوانه ها کار کنید.

در رابطه با تئاتر معلولان، چه اندازه مناسب سازی صورت گرفته است؟

مناسب سازی اصلا نداریم، پله های بزرگ و برجسته، شیب های



بلند. در سراسر کشور ۲ سالن مناسب سازی شده برای تئاتر معلولان وجود دارد که آن را هم با ما مشورت کردند که چگونه بسازند. شهرداری ها باید مناسب سازی را انجام دهند که نمی کنند، استاندارد شیب رعایت نمی شود. هدف اصلی ما ایجاد تئاتر حرفه ای برای معلولان است.

تئاتر چه تاثیری در روند فعالیت معلولان داشته است؟ یکی از اهداف تئاتر معلولان این است که می خواهد این افراد را از انزوا خارج کند. برخی خانواده ها معلول خود را در خانه پنهان کرده و خجالت می کشیدند که بگویند معلول دارند، اما تئاتر باعث شد معلولان از خانه ها خارج شده و به اجتماع بیایند.

وقتی معلول روی صحنه رفت شاید در ابتدا خانواده اش باور نمی کردند که این همان فرد است. باید باشید و بعد از تمام شدن نمایش ببینید که چه شور و هیجانی بین معلولان است، شجاع، دلیر و با اعتماد به نفس. این خصوصیات فرد معلولی است که وارد عرصه تئاتر شده است. از این فرایند مردم معمولی هم به هوش می آیند و نگاه آنها به معلول تغییر می کند. تلاش ما این است که نگرش های بی رحمانه را تغییر دهیم.

چه صحبتی با رسانه ها دارید؟

رسانه ها از کنار این موضوع به سادگی عبور نکرده و به این جریان بی توجه نباشند، رسانه ها کار را معرفی کنند تا مردم هم در جریان این مقوله قرار گیرند.

طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی، رسانه ملی باید در هفته دو ساعت از برنامه ها را به معلولان اختصاص دهد، این اتفاق نیفتاده است. امیدواریم رسانه ها تلاش کنند تا صدا و سیما این دو ساعت را در اختیار ما بگذارد تا تمام نگرش ها نسبت به معلولان را تغییر دهیم.

پرکارترین سالهای پاستور همین ۸ سال بود؟

همه رکوردهای احمدی نژاد

همشهری ماه / شماره ۱۰۳ / ایمان حجتی

«نقدینگی کشور فقط ظرف سال گذشته بیش از ۲۵ درصد افزایش پیدا کرده و نسبت به ابتدای دولت احمدینژاد بیش از چهار برابر شده است؛ یعنی ۳۰۰ درصد افزایش پیدا کرده و با این افزایش قیمتها ما موج جدیدی از شوک قیمتی را در بازارهای مختلف به خصوص کالاهای اساسی و مصرفی و نیازمندیهای مصرفی مردم خواهیم داشت.» شایان ذکر است، افزایش حجم نقدینگی در دولتهای قبل از دولت نهم و دهم نیز همواره با رشد زیادی مواجه بوده ولی ثبت رشد ۳۰۰ درصدی در نوع خود یک رکورد است.

سکه ۱۳ برابر سال ۸۴، دلار ۳/۳ برابر

آن گونه که در آمار منتشر شده توسط پایگاه خبری عصر ایران به چشم میخورد، هر قطعه سکه بهار آزادی زمانی که احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور ایران سوگند یاد کرد، ۹۶ هزار تومان بود ولی امروز به بالاتر از یک میلیون تومان رسیده که افزایشی قریب به ۱۳ برابری را نشان میدهد. (آمار تقریبی به دلیل نوسان قیمت) همچنین قیمت دلار در سال ۱۳۸۴، زمانی که محمود احمدی نژاد رئیس جمهور شد و دولت را تحویل گرفت، ۹۰۲ تومان بود و اینک با نوسان مواجه است. این اعداد نشان می دهند دلار در این سالها بیش از ۳/۳ برابر شده و به همین میزان نیز ارزش پول ملی کاسته شده است.

رکوردی به بزرگی ۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان

سه هزار میلیارد تومان برای ایرانیان عددی کاملا گویاست. این عدد بی تردید رکورددار بزرگترین اختلاس تاریخ ایران است که در زمان دولت احمدینژاد، در شبکه بانکی کشور کشف شد. از سوی دیگر، پرونده اختلاس بیمه، گزارش پلیس آگاهی از وقوع ۲۱۸ اختلاس در کشور در سال ۹۰ به ارزش تقریبی یک میلیارد تومان و سایر پروندههای دیگر، دولت محمود احمدینژاد را که با شعار مبارزه با مفاسد اقتصادی روی کار آمد در معرض سوال جدی قرار میدهد. البته اجرای هدفمندی یارانه ها برای نخستین بار و اجرای طرح سهام عدالت از رکوردهای مثبت دولت به شمار میرود.

از طولانیترین دیرکرد در ارائه لایحه بودجه

تا اصلاح آیین نامه برای تصویب کلیات بودجه

۷۶ روز تاخیر دولت در ارائه بودجه سال ۱۳۹۰ به مجلس، موضوعی بود که در سالهای پیش از آن با تاخیری کم و بیش مشابه تکرار شده بود. برخی نمایندگان مجلس بر این عقیده بودند، این اقدام دولت احتمالا برای تحت فشار گذاشتن مجلس برای تصویب لایحه بودجه در روزهای پایانی سال انجام پذیرفته است.

اولین بار در تاریخ کشور، تعداد خانه ها از تعداد خانوارها بیشتر شدند

وزیر مسکن و شهرسازی در مراسم افتتاح مسکن مهر استان قم، به پیشی گرفتن تعداد خانه ها از تعداد خانوارها در کشور اشاره کرد. به گزارش ایرنا، علی نیکزاد با اشاره به اینکه براساس آمار سال ۹۰، تعداد ۲۱ میلیون و ۲۰۰ هزار خانوار در کشور به ثبت رسیده است، گفت: در این سال با اجرای موفق آمیز طرح مسکن مهر در دولت نهم و دهم، تعداد خانه های مسکونی به ۲۱ میلیون و ۶۰۰ هزار باب رسیده است که در طول ۶۰ سال گذشته، این اتفاق برای اولین بار در کشور رخ داده است که تعداد خانه ها از تعداد خانوارها بیشتر است.

گذشته در داخل کشور حاشیه ساز شد. احمدی نژاد در سفر پیشین خود با لحن و ادبیات نرمتر نسبت به گذشته، در سخنان خود بارها در خصوص مذاکره با آمریکا سخن گفته بود که با واکنش سرد از سوی مجامع بین المللی و عکس العمل منفی در داخل کشور مواجه شد. صحبت از مذاکره مستقیم ایران و آمریکا از زبان رئیس جمهور ایران، آن هم در خاک آمریکا اولین بار بود که از طرف رئیس جمهور ایران به عنوان شخص دوم کشور مطرح میشد. هرچند همان گونه که انتظار میرفت، این سخنان احمدی نژاد با اعتراض نمایندگان مجلس، فعالان سیاسی و... در داخل ایران همراه شد.....

رکوردهای اقتصادی

چهار برابر شدن کل نقدینگی کشور نسبت به سال ۸۴ ایران به دلیل اتکای اقتصادی اش به نفت، همواره با مشکل افزایش نقدینگی که در کنار خود رشد تورم را به همراه دارد روبه روست. در سالهای اول دولت محمود احمدی نژاد به دلیل افزایش بی سابقه در آمد نفتی، حجم زیادی از نقدینگی به اقتصاد کشور تزریق شد که به گفته یاس نادران - از اعضای کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی -



است در مجلس حاضر شود و به سوال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ۱۰ روز به تاخیر بیفتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی.....

اولین حضور زنان در سطح وزارت

یکی دیگر از «ترین ها» و رکوردهای دولت احمدی نژاد، حضور زنان در رده های بالای سیاسی کشور در سطح وزارت است. احمدی نژاد در کابینه پیشنهادی دولت دهم نام سه وزیر زن را برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی کرد که از این بین، مرضیه وحید دستجردی موفق به کسب رای اعتماد نمایندگان برای تصدی وزارت بهداشت شده و به عنوان اولین وزیر زن در تاریخ کابینه های پس از انقلاب لقب گرفت.

رکورد جابه جایی استانداران در دولت های نهم و دهم

تعداد جابه جایی استانداران استانه ای کشور از آغاز دولت نهم تاکنون، در حال عبور از عدد ۹۰ است که این مساله یکی دیگر از رکوردهای سیاسی دولت محمود احمدی نژاد است. تعداد جابه جایی استانداران در استانی مانند خراسان شمالی به شش تغییر میرسد که این مساله نشان دهنده بی ثباتی مدیریت در سطح محلی است. این تغییرات سریع در سطح استانداران باعث شده، بی تجربگی برخی استانداران یکی از انتقادات نمایندگان مجلس نسبت به برخی استانداران و همچنین تیم کاری آنها باشد. دلیل واضح است؛ در برخی مناطق به محض آشنایی استاندار با شرایط و مشکلات، باد تغییرات وزیدن کرده و استاندار جدید را جایگزین میکنند....

رکوردهای بین المللی

۸ سال، ۸ سفر به نیویورک

حکایت حضور همه ساله احمدی نژاد در جلسات مجمع عمومی سازمان ملل با توجه به پیشینه این حضور توسط سایر روسای جمهور ایران در نوع خود جالب بوده و یک رکورد برای احمدی نژاد محسوب میشود. در حالی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا قبل از سال ۸۴، تنها سه بار رئیس دولت برای حضور در مجمع عمومی

سازمان ملل

عازم نیویورک

شدند، از سال ۸۴ به

این سو، محمود احمدی

نژاد حضوری دائمی و همه

ساله در جلسات مجمع عمومی و سخنرانی از

تریبون این مجمع بین المللی داشته است.....

پیشنهاد مذاکره مستقیم با آمریکا از زبان

رئیس جمهور ایران

سفرهای سالانه احمدی نژاد به نیویورک، هر سال به حواشی گوناگونی همراه بوده ولی آخرین سفر او و برخی سخنان او در زمینه مذاکره با آمریکا بیش از

شاید اگر سال ها بعد از یک ایرانی که در سال ۸۴ به احمدی نژاد رای داده و تا آخر هم احمدی نژاد را دوست داشته بپرسند، اکنون پس از سال ها نظرت در خصوص او چیست بگوید: «او رئیس جمهوری با متفاوت ترین و عجیب ترین رفتارها بود». رئیس جمهوری که پس از انتخاب کابینه اش برای نشان دادن ساده زیستی و کاهش هزینه های بیت المال در سال ۸۴ با اتوبوس به همراه هیات دولت جدید به مشهد سفر کرده تا اولین جلسه هیات دولت را در این شهر مقدس برگزار کند ولی هفت سال بعد در سفر پرخرجی مانند سفر به نیویورک، تعداد همراهان او ۱۲۰ نفر اعلام می شوند، باید هم در نزد افکار عمومی عجیب باشد. محمود احمدی نژاد که با پیروزی بر اکبر هاشمی رفسنجانی در دور دوم انتخابات سال ۸۴، به عنوان رئیس جمهور دوره نهم انتخاب شد، در طول هفت سال ریاست جمهوری اش (از ۸۴ تاکنون) دولتی را اداره کرده که از نظر برخی افراد به دولت «ترین ها» شهره شده است. او دولت اش در برخی مواقع مشمول تبصره های برخی مواد قانونی شدند که در قانون گذاران همیشه برای لحظات احتمالی که در ذهن خود ترسیم میکنند، به عنوان قانون در می آورند و از این روست که دولت او دولت پررکوردی است؛ رکوردهایی که اکثرا نه نشان افتخار، بلکه بی قانونی مفرط حاکم بر دولت نهم و دهم بوده و هست.

رکوردهای سیاسی

دولتی که تالب مرز افتادن از حد نصاب پیش رفت دریافت نکردن رای اعتماد کامل کابینه پیشنهادی؛ سال ۸۴ زمانی که محمود احمدی نژاد اولین کابینه خود را برای دریافت رای اعتماد به مجلس اصولگرای هفتم معرفی کرد، از بین ۲۱ وزیر معرفی شده چهار وزیر به دلیل دریافت نکردن رای اعتماد نمایندگان مجلس هفتم، مجوز ورود به کابینه را نگرفتند. در کابینه دوم محمود احمدی نژاد در سال ۸۸ نیز، نمایندگان مجلس به ۱۸ وزیر پیشنهادی وی رای اعتماد دادند و به سه وزیر آموزش و پرورش، رفاه و نیرو رای ندادند. این نخستین بار است که در تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی، کابینه پیشنهادی رئیس جمهور موفق به دریافت رای کامل نمایندگان مجلس نشده و رئیس جمهور باید در تلاش بعدی، نسبت به دریافت رای اعتماد کامل نمایندگان و تکمیل کابینه اقدام کند.

در حالیکه پیش از دولت احمدی نژاد، بیشترین حجم تغییرات در کابینه به حداکثر یک یا دو جابه جایی و همچنین استیضاح میرسد، دولت نهم به خاطر شدت تغییرات گسترده در سطح هیات دولت تا مرز افتادن از حد نصاب پیش رفت. براساس اصل ۱۳۶ قانون اساسی در صورتی که بیش از نیمی از وزرا تغییر کنند، رئیس جمهور باید کل کابینه را بار دیگر برای کسب رای اعتماد به مجلس معرفی کند. شاید اگر ترس از همین از حد نصاب افتادن نبود، چه بسا وزرای بیشتری در سال آخر دولت عزل شده یا توسط مجلس استیضاح میشدند....

سوال از رئیس جمهور برای اولین بار در تاریخ انقلاب

یکی دیگر از رکوردهای سیاسی محمود احمدی نژاد، اجرای اصل ۸۸ قانون اساسی که از زمان تصویب تاکنون دست نخورده باقی مانده و برای هیچ رئیس جمهوری اجرا نشده بود، در مورد وی است. طبق اصل ۸۸ قانون اساسی، «در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسوول، درباره یکی از وظایف آنان سوال کنند، رئیس جمهور یا وزیر موظف